

## مرز در دریاچه‌های بین‌المللی

هاریتینی دیپلا

Haritini DIPLA

مترجم: دکتر ابراهیم بیگزاده

### اشاره مترجم

مرز سنگبنای حقوق بین‌الملل در عین عامل بازدارنده توسعه آن می‌باشد. سنگ بنای حقوق بین‌الملل است چون که با تعیین حدود حاکمیت دولتها امکان همکاری و همزیستی فیما بین آنها را فراهم می‌نماید. عامل بازدارنده توسعه حقوق بین‌الملل است چون که با عدم تعیین آن اختلافات فیما بین دولتها ایجاد و منجر به درگیری و در نتیجه عدم همکاری و همزیستی فیما بین آنها می‌شود.

اگر در جوامع گذشته تحدید حدود کلی می‌توانست تا حدود زیادی تضمین‌کننده همزیستی فیما بین دولتها باشد، برعکس در جوامع جدید، بروز جنگهای جهانی و استعمارزدایی اثبات نمود که وجود اصولی محکم و غیرقابل تغییر در مرزها ضروری

می‌نمایند.

آنچه که در درجه اول اهمیت قرار دارد این است که مرز همیشه جنبه ارادی دارد: به عبارت دیگر تعیین مرز اعم از زمینی، هوایی، دریایی، دریاچه‌ای، رودخانه‌ای... همیشه ناشی از اراده انسانی است. این اراده باید در سه مرحله تعیین، تحدید و ترمیم تجلی یابد. اگرچه ممکن است عده‌ای عدم وجود اراده را در تعیین مرز در زمانیکه موانع طبیعی، دو یا چند سرزمین را از یکدیگر جدا می‌کنند مطرح نمایند، اما باید گفت که حتی در مورد این موانع نیز مرز همیشه جنبه ارادی و انتخابی دارد، چون که در این موارد هم مرز با استفاده از روش یا روشهایی تعیین می‌گردد که موارد توافق دولتهای ذینفع می‌باشند. در میان موانع طبیعی در تعیین مرزها، دریاچه‌ها از اهمیت زیادی برخوردارند و این اهمیت زمانی بیشتر می‌شود که این دریاچه‌ها از جهات مختلف از جمله از منابع طبیعی سرشار باشند. از آنجا که کشور عزیزمان ایران نیز با معضل تعیین مرز در بحر خزر، به عنوان

بزرگترین و غنی‌ترین دریاچه جهان، مواجه است لذا شناخت رویه بین‌المللی برای تصمیم‌گیری حائز اهمیت می‌باشد. به همین جهت مقاله حاضر تحت عنوان:

“Le trace de la frontiere sur les Lacs internationaux”

از کتاب: Le regime Juridique des fleuves et des lacs internationaux.

تحت نظر: Lucius

CAFLISCH, Ralph ZACKLIN از انتشارات: Martinus

انتخاب و ترجمه شده است. نویسنده در قسمت اول مقاله به بررسی رویه دولتها در مورد تعیین مرز در دریاچه‌های بین‌المللی پرداخته و سپس در قسمت دوم در پی یافتن قواعد عرفی در این زمینه می‌باشد.

## ۱ مقدمه

دریاچه‌ها از دیرباز توجه انسانها را به خود جلب کرده‌اند این جلب توجه با جمع شدن در اطراف آنها و ساختن شهرها، و تلاش برای حداکثر استفاده ممکن از آبهای آنها تحقق یافته است.

دریاچه‌ها علاوه بر بهره‌برداری سنتی همچون کشتیرانی و صید، کاربریهایی دیگری از جمله آبیاری و تولید انرژی یافته‌اند، پیشگیری از آلودگی آنها نیز خود مشکلی شده است.

امروزه اکثر دریاچه‌های واقع در میان چند دولت، پس از بحثها و مشاجرات فراوان، فی‌مابین آنها تقسیم شده‌اند، این تقسیم‌بندی از طریق تجدید حدود، براساس تصمیمات متحده توسط دولتهای ساحلی برای تعیین محدوده حاکمیت خود، انجام شده است.

عصر حاضر شاهد تلاش دولتها برای بین‌المللی نمودن آبراههایی است که از سرزمین چندین دولت می‌گذرد چون که بین‌المللی کردن این آبراهها امکان

بهره‌برداریهایی مشترک، اصولی‌تر و مقرون به صرفه‌تری را فراهم می‌نماید، مع‌هذا، این اندیشه که بین‌المللی کردن این آبراهها منجر به از میان رفتن مرزهای ملی خواهد شد صحیح نمی‌باشد، اگر چه این واقعیت وجود دارد که حاکمیت ملی با بین‌المللی کردن ممکن است مخدوش یا محدود گردد، اما شناخت حدود این حاکمیت امری اساسی و مهم می‌باشد.<sup>۱</sup> بر این اساس و در پی مذاکرات (دو یا چند جانبه) است که نظامهای مشترک بهره‌برداري تحقق عینی می‌یابند.

زمانی که حدود (دولتها) بطور دقیق مشخص و تعیین شده‌اند مانع از بروز اختلافات ارضی می‌شوند؛ اختلافاتی که بسیار طولانی و به سختی قابل حل و فصل هستند. این حدود حسن همجواری و روابط حسنه را فی‌مابین دولتها تضمین می‌کنند و زمینه‌های لازم برای يك همکاری ثمر بخش با دولتهای همجوار را ایجاد می‌کنند.

حدود آبی و در میان آنها، حدود دریاچه‌ها از ویژگی خاصی برخوردار هستند

---

۱. مسائلی که سبب اختلاف دولتهای ساحلی دریاچه کنستانس شده‌اند بعد مورد بررسی قرار می‌گیرند.

چون که مسأله تعریف و تعیین مرزهای واقع بر روی توده‌های آبی را که ثابت نبوده و از لحاظ بهره‌برداری هم اهمیت دارند مطرح می‌کند. به این دلیل تشخیص و تعریف این نوع حدود از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. هدف این مقاله ابتدا بررسی رویه دولت‌ها در قلمرو تحدید حدود دریاچه‌هاست، و سپس تلاش برای پاسخ به این سؤال می‌باشد که آیا قواعد عرفی در این محدوده شکل گرفته‌اند یا نه؟ برای این منظور، پس از مطالعه تعاریف و مباحث مقدماتی، به بررسی برخی از تحدید حدود قراردادی دریاچه‌ها خواهیم پرداخت، و سپس خواهیم دید که آیا این رویه قراردادی در شکل‌گیری قواعد عرفی که دولت‌ها را وادار به استفاده از برخی روش‌ها برای تحدید حدود دریاچه‌های بین‌المللی کنند، نقشی داشته‌است یا نه؟ و سرانجام وضعیت دو دریاچه بین‌المللی که هنوز تحدید حدود نشده‌اند یعنی بحر خزر و دریاچه کنستانس را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

## تعاریف و مباحث مقدماتی

### ۱-۲- تعریف «دریاچه»

دریاچه‌ها عبارتند از گودال‌های واقع در سطح زمین که در میان آنها آب جمع می‌شود.<sup>۲</sup> دریاچه‌ها از رودخانه‌ها و به‌طور خاص از قسمتهای گسترده آنها به لحاظ کم یا عدم وجود میزان (دبی) آب روزانه متمایز می‌شوند. در واقع دریاچه‌ها «سفره‌های آبی کم و بیش راکدی»<sup>۳</sup> هستند به این معنا که میزان آبی که از آنها خارج می‌شود همیشه کمتر از میزان آبی است که به آنها وارد می‌شود و آن صرفنظر از سرچشمه این آبها می‌باشد.<sup>۴</sup> معیار شوری آبها که گاهی از سوی جغرافی‌دانان و دکترین حقوق بین‌الملل برای تفکیک دریاچه‌ها از دریاها مورد استفاده قرار می‌گرفت<sup>۵</sup> از سوی نویسندگان معاصر به

۲. رش.

La grande encyclopedie (paris), t. 21, P. 704 ainsi. Que encyclopedia universalis (Paris, 1968), vol. 9, P. 1027.

۳. رش.

P. Fauchille, Traite de droit international Public, 8e ed (Paris, A. Rousseau.1925), t. I., 2e Partie, P. 409.

۴. خواه سرچشمه آنها شط یا رودخانه، یا یخچال یا باران باشد.

۵. رش.

درستي رد شده است.<sup>۶</sup>

در عوض، معياري که توسط نويسندگان براي تفکيک درياچه‌ها از درياها مد نظر قرار مي‌گيرد سطح آبهاي آنهاست<sup>۷</sup> که بالاتر يا پايين‌تر يا در هر حال متفاوت از سطح دريا است.

نکته‌اي که دانستن آن حائز اهميت است روابط في مابين درياچه‌ها و درياهاي بسته و نيمه بسته مي‌باشد. درياي بسته عبارت از يك گسترده آبي است که محاط در خشکي بوده و ممکن است از طريق يك مجري آبي مانند يك رودخانه با درياي آزاد ارتباط داشته يا نداشته باشد. درياهاي بسته که به نوعي «آبهاي داخلي» لحاظ مي‌شوند، مي‌توانند با درياچه‌ها مشابهت

---

G. Gidel, *Le international Public de la mer* (Paris: Sirey, 1932 – 1934), T. II, P. 10

شور بودن يا نبودن آبها نيز يکي از معيارهاي است که باعث مي‌شود به آنها عنوان دريا داد يا نداد در هر حال، ابهامي در مورد ناميدن اين نوع آبها، که از لحاظ جغرافيايي داخلي هستند، وجود دارد.

۶. رش.

P. Pondaven "Les Lacs – frontieres (Paris: Ed. .A. Pedone, 1972), P. 12., meme Gidel, oP, cit, T. I, P. 40. اين معيار فيزيکي نمي‌تواند به عنوان معيار منحصر به فرد از سوي حقوقدانان لحاظ شود: درياي مرده، درياي خزر، درياچه بزرگ نمک نمي‌توانند، علي رغم ماهيت آبهاي خود، تابع حقوق دريا باشند.

۷. رش.

Pondaven, oP. cit. P. 13: Gidel, oP, cit., T. I, P. 41.



داشته باشند.<sup>۸</sup> برعکس اصطلاح « دریای نیمه بسته» شامل بخشی از یک دریا یا اقیانوس می‌شود که محاط در خشکی بوده اما با مابقی آن دریا یا آن اقیانوس آزادانه و به‌طور طبیعی از طریق یک تنگه ارتباط دارد.<sup>۹</sup> واضح است که این نوع آبها در قلمرو دریاها قرار دارند و بدین ترتیب نمی‌توانند با دریاچه‌ها مشابهتی داشته باشند.<sup>۱۰</sup>

---

۸. بدین ترتیب دریای خزر، دریای آرال، دریای آزوف، دریای مرده، تابع حقوق بین‌الملل دریا نیستند بلکه به عنوان بخشی از آبهای داخلی می‌باشند (مانند دریای آرال و آزوف) با تابع قواعد کنوانسیونهای منعقد شده فی‌مابین دولتهای ساحلی هستند مانند (دریای خزر).  
۹. رش.

G. Gidel, oP. cit., T. I, P. 40.

ژیدل معتقد است برای این که آبراه موجود میان مناطق آبی شور بتواند بخشی از دریاها تلقی شده و تابع حقوق بین‌الملل دریا (بی) باشد باید یک آبراه آزاد و طبیعی ... باشد.

۱۰. بنابراین دریای بالتیک، دریای سیاه و حتی دریای مدیترانه بدون شك دریا تلقی شده و دریاچه نمی‌باشند و تابع این گروه می‌باشند که گاهی اوقات به آنها دریاهای «نیمه بسته» می‌گویند رش. Pondaven, oP. cit., PP. 12-13.

تعریف زیر در ماده ۱۲۲ پیش‌نویس کنوانسیون حقوق دریاهای (متن مذاکره‌ای) مورخ ۲۷ اوت ۱۹۸۰، که توسط سومین کنفرانس ملل متحد در مورد حقوق دریاهای تهیه شده است، درج شده است. به مناطقی «دریا بسته یا نیمه بسته با خلیج یا حوضه آبی با یک دریای واقع بین دو یا چند دولت» اطلاق می‌شود که «بوسیله یک گذرگاه باریک به دریای آزاد راه دارد و به‌طور کامل یا قسمت اعظم آن

مرز در دریاچه‌های... ❖ ۶۱

با توجه به مطالب پیش‌گفته، می‌توان دریاچه را اینگونه تعریف کرد که دریاچه «گسترده آبی، شور یا بی‌نمکی است که محاط در خشکی بوده و میزان (دبی) آب آن در واحد زمان کمتر از یک واحد است و سطح آب آن متفاوت از سطح دریا بوده و ارتباط مستقیم، آزاد و طبیعی با آن ندارد». سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا این تعریف شامل برکه‌ها نیز می‌شود.<sup>۱۱</sup> به نظر می‌رسد که پاسخ به این سؤال بستگی به سطح آبهای آنها دارد، اگر پهنه‌های آبی باشند که ارتباطی با دریا نداشته و سطح آنها متفاوت از سطح دریا باشد می‌توان آنها را شبیه

---

دریای سرزمینی و مناطق اقتصادی انحصاری دو یا چند دولت ساحلی را تشکیل بدهند».

رش. Doc. A/CONF 62/W p.10 / Rev3. تجزیه و تحلیل این تعریف که اصطلاحات «دریای بسته» و دریای «نیمه بسته» را با هم خلط می‌کند این مقاله نیست. (لازم به یادآوری است که این مقاله در زمانی تهیه شده است که هنوز کنوانسیون حقوق دریاها در ۱۰ دسامبر ۱۹۸۲ به تصویب نرسیده بود. مترجم).

۱۱. لاگون (Lagune) یک پهنه آبی است که در سواحل پست دریاها یا کم عمق در محل خلیج قدیمی که بوسیله یک کمانه شنی یا باریکه‌ای از ساحل از دریای جدا شده شکل می‌گیرد، یک آبراه گاهی آن را به دریا متصل می‌کند.

رش. Dictionnaire encyclopedique Quillet (Paris 1969). Vol K-M, P. 3702.

دریاچه‌ها دانست. ۱۲

## ۲-۲- دریاچه‌های ملی و بین‌المللی

يك نوع تفكيك میان دریاچه‌های ملی و بین‌المللی در مقاله حاضر، که اختصاص به تحدید حدود دارد، به‌نظر کافی می‌رسد. البته تفکیک‌های دیگری نیز براساس ملاحظات اقتصادی، گاهی توسط حقوقدانان مورد استفاده قرار می‌گیرد، از جمله تفکیکی که پونداون میان دریاچه‌های بین‌المللی و دریاچه‌های مرزی قائل شده است.<sup>۱۳</sup> دریاچه‌های بین‌المللی، حتی دریاچه‌هایی که به‌طور کامل در داخل سرزمین يك دولت قرار دارند، دریاچه‌هایی هستند که از طریق يك جریان آبی بین‌المللی با دریا ارتباط دارند.<sup>۱۴</sup> در حالیکه دریاچه‌های مرزی دریاچه‌هایی هستند که مرز میان دو یا چند دولت را تشکیل می‌دهد.<sup>۱۵</sup>

ما فکر می‌کنیم که چنین تفکیکی اگرچه برای مطالعه کلی‌تر دریاچه‌ها و

---

۱۲. برای مثال دریاچه لاگون (میریم) می‌باشد. رش. به بعد در همین مقاله.

۱۳. رش. 6-7. PP. op. cit., Pondaven

۱۴. رش. Nations Unies, Doc. E/ECE/EP/98, 1952, P. 15.

۱۵. رش. Pondaven, op. cit.

بهره‌برداریهایی اقتصادی از آنها مفید است اما در مقاله چندان اهمیتی ندارد. برای بررسی مسأله تحدید حدود، يك تعريف صرفاً سرزمینی یا جغرافیایی کافی می‌باشد. بنابراین ما از اصطلاح « دریاچه‌های بین‌المللی» در مورد دریاچه‌هایی استفاده می‌کنیم که سرزمین دو یا چند دولت را از یکدیگر جدا کرده یا مرز میان آنها را تشکیل می‌دهند و این در مقابل دریاچه‌های ملی است که به‌طور کامل در سرزمین يك دولت قرار دارند.

### ۲-۳- روشهای تحدید حدود خاص دریاچه‌های بین‌المللی

#### ۲-۳-۱- تحدید حدود مصنوعی

##### ۲-۳-۱-۱- تحدید حدود نجومی:

تحدید حدود نجومی عبارت از روشی است که طبق آن خطوط تحدید کننده با استفاده از طول و عرض جغرافیایی ترسیم می‌شوند.<sup>۱۶</sup>

##### ۲-۳-۱-۲- تحدید حدود هندسی:

---

۱۶. برای مثال رجوع شود به تحدید حدود دریاچه ویکتوریا در همین مقاله.

تحدید حدود هندسي عبارت از روشي است که طبق آن خطوطي مستقیماً میان دو نقطه مشخص یا دو نقطه‌اي که باید مشخص شوند براساس يك روش خاص ترسیم می‌شوند.<sup>۱۷</sup> در قلمرو تحدید حدود هندسي می‌توانیم ابتدا خطوط «وسطی»<sup>۱۸</sup> یا، براساس عبارت مصطلح امروزي، خط «میانی» (در مورد تحدید حدود مناطق واقع بین سواحل مقابل) و بعد خطوط منصف (در مورد تحدید حدود میان دولتهای مجاور) را قرار دهیم. باید فوراً این را هم اضافه کرد که هر دو خطوط فوق در مفهوم وسیع از نوع خطوط میانی هستند که آنها را از میان تقسیم می‌کنند.<sup>۱۹</sup> آنها در واقع خطوطی هستند که هر نقطه از آنها از نزدیکترین نقاط

---

۱۷. رش. P. De Lapradelle, La frontiere (Paris: editions internationales, 1928), P. 180. باید متذکر شد زمانی که یک خط میان دو نقطه‌اي که بر اساس داده‌های نجومی تعیین شده‌اند ترسیم می‌شود، این خط همچنین یک خط هندسي است و نه نجومی.

۱۸. اصطلاحی است که در بسیاری از معاهدات قدیمی برای تعریف خط میانی مورد استفاده قرار گرفته است.

۱۹. خط میانی به مفهوم گسترده خود، ساختار و پذیرش آن در حقوق دریایی و دریاچه‌اي به‌طور عمده حاصل کارهای جغرافی‌دانان دولت ایالات متحده آمریکایی یعنی S.W.. BOGGS و شاگردانش می‌باشد. رش.

International Boundaries. A Study of Boundary Functions and Problems (New York: Columbia university press, 1940, PP. 176 – 192, ainsi que S.B. Jones, Boundary – Making: A Handbook for Statesmen Treaty Editors and Boundary Commissioner Washington, D. C.: Carnegie Endowment for international Peace, 1945), pp. 134- 148.

واقع در سواحل هر يك از دولتها، بعد از اين كه خط ساحلي هر دولت (براساس جذر يا مد) تعيين شده، به يك فاصله باشد.<sup>۲۰</sup> در همین قلمرو خطوط مستقیمی هم قرار دارند كه به دلخواه انتخاب شده يا براي جانشيني خطوط میانی سینوسی برگزیده می‌شوند كه ترسیم آنها مشكل هم می‌باشد. در این حالت حد توسط يك خط شكسته ایجاد می‌شود.<sup>۲۱</sup>

### ۳-۱-۳-۲- تحدید حدود طبیعی: خط القعر

دریاچه‌ای و تحدید حدود ساحلي:

خط القعر\* (تالوگ کلمة آلمانی است كه معنی تحت‌اللفظی آن «جاده دره» می‌باشد) يك روشی است كه از حقوق بین‌الملل رودخانه‌ها به عاریت گرفته شده است. به‌نظر شارل روسو، دولتها دو تعریف از این روش برای تحدید حدود رودخانه‌ها ارائه نموده‌اند. یکی عبارت از «خطی است كه از اتصال عمیق‌ترین نقاط بدست می‌آید» در حالی كه دیگری «خط میانی جریان آب

۲۰. رش. Boggs op. cit., p. 184.

۲۱. برای مثال رش. دریاچه‌های بزرگ امریکایی در همین مقاله.

\*. تالوگ Thalweg.

یا اصلی‌ترین آبراه قابل کشتیرانی»  
است.<sup>۲۲</sup> از این روش بندرت برای  
دریاچه‌های بین‌المللی استفاده می‌شود چون  
که اکثریت آنها فاقد آبراه (خاص) قابل  
کشتیرانی هستند، به علاوه، اگر خط  
القعری هم وجود داشته باشد، ممکن است  
در محلی واقع شود که برای صید و صیادی  
اهمیت دارد که در این حالت تعیین آن به  
عنوان مرز، صید در دریاچه را با مواقع  
و مشکلات جدی روبرو می‌کند.

تحدید حدود ساحلی هم از جمله تحدید  
حدود طبیعی محسوب می‌شود چون که يك عامل  
طبیعی یعنی ساحل دریاچه، حد نهایی  
حاکمیت يك دولت و شروع حاکمیت دولت  
دیگر را مشخص می‌کند، در این دولت  
دریاچه به‌طور کامل به یکی از دولتهای  
ساحلی تعلق دارد و دولت دیگر دسترسی به  
آن نخواهد داشت. تحدید حدود ساحلی که  
در قدیم توسط قدرتهای استعماری و  
گسترده در افریقا و امریکای لاتین مورد  
استفاده قرار می‌گرفت، امروزه بندرت

---

۲۲. رش.

Ch. Rousseau, Droit international Public (Paris, Sirey, 1977), T. III, P. 225.

۳

تحدید حدود قراردادي دریاچه‌ها

۱-۳- دریاچه‌هاي اروپايي

۱-۱-۳- دریاچه لمان\* یاژنو:

دریاچه لمان با مساحت ۵۸۱/۵ مترمربع و به شکل کشیده می‌باشد (نقشه شماره ۱). رودخانه رن (Rhone) از این دریاچه عبور می‌کند که هم تأمین کننده آب و هم مجرای آبی آن محسوب می‌شود. این دریاچه دو دولت فرانسه و سوئیس را از یکدیگر جدا می‌کند.

معاهده داوری که در ۳۰ اکتبر ۱۵۶۴ در لوزان میان دوک ساووا (Savoie) و شهر برن منعقد شده بود اشعار می‌داشت که «وسط دریاچه» خط میان دو کشور را تشکیل

---

۲۳. دریاچه‌هاي واقع در سرحد کنگو (دریاچه‌هاي آلبرت و ادوارد)، در اولین مرحله، با استفاده از روش حد ساحلي تحدید حدود شده بودند: دریاچه مالوي هم همین وضعیت را داشت. دریاچه مالوي یکی از موارد نادر تحدید حدود با استفاده از روش حد ساحلي است که هنوز هم وجود دارد. رجوع شود به همین مقاله.

\*. Lac Leman.



می‌دهد.<sup>۲۴</sup> این حد در معاهده واگذاری و مرزها منعقد در ۱۶ مارس ۱۸۱۶ در تون (Turin) میان ساردنی (Sardaigne) و سوئیس نیز مورد تأیید قرار گرفت. ماده یک این معاهده اشعار می‌داشت: «البته... مالکیت دریاچه تا وسط عرض آن... به کانتون ژنو تعلق دارد».<sup>۲۵</sup> مع هذا این حد به صورت خطی بر روی آبهای دریاچه مشخص نشد، علت آن این بود که طرفین در مورد گستره عبارت «وسط دریاچه» توافق نداشتند. سرانجام کنوانسیون فرانسه - سوئیس مورخ ۲۵ فوریه ۱۹۵۳ در مورد تحدید حدود مرز در دریاچه لمان است که این مسأله را به صورت قطعی حل می‌کند. ماده ۱ این معاهده پیش‌بینی می‌کند:

**ماده ۱:** خط مرزی در دریاچه لمان متشکل از یک خط میانی و دو خط جانبی بر هرمانس (Hermance) و سن - ژینگولف (Saint-Gingolph) است. خط میانی از لحاظ نظری توسط مراکز دوایری توصیف می‌شود که میان

---

۲۴. ماده ۲۰ معاهده نقل شده توسط پ. پوندوان «وضعیت بین‌المللی دریاچه لمان» در R.G.D: I.P p. 78, 1974, pp. 63-64 اشعار می‌دارد که «وسط دریاچه باید حد این دریاچه باشد.  
۲۵. برای متن معاهده تورن رش.

C. Parry, éd., Consolildated Treaty Series (ci-apres: CTS), Vol. 65 (1815- 1816) p. 448.

سواحل سوئیس و فرانسه واقع می‌شوند. مع‌هذا این خط نظری به دلایل عملی با یک خط شش‌گوشه جابه‌جا شده است که جبران‌کننده تفاوت سطوح می‌باشد.

**ماده ۲:** در خطوط جانبی، مرز توسط دو خط عادی بر خط میانی که بسوی پایین دریاچه ترسیم شده و به ساحل هرمانس و سن - ژینگولف ختم می‌شوند مشخص می‌گردد.<sup>۲۶</sup> مشکلی که دو دولت ساحلی مجبور به حل آن بودند فقط محدود به ترسیم خط میانی (که تعیین کننده مرز آنها در حالاتی است که سواحل آن در مقابل یکدیگر قرار دارند) نبود بلکه همچنین دو خط جانبی بود که باید خط میانی را به خشکی در نواحی هرمانس و سن - ژینگولف متصل می‌کردند.<sup>۲۷</sup> در مورد اخیر، مواضع دو دولت با یکدیگر هماهنگی نداشت سوئیس خواهان ترسیم دو خط عمود بر ساحل بود که سبب می‌شد بیشترین آب به آن کشور تعلق یابد، در حالی که فرانسه پیشنهاد می‌کرد که خط جانبی ادامه خط‌القع‌های دو

---

۲۶. رش. R. G. I.P, 64 (1960): 442

۲۷. برای دانستن تاریخ کامل حوادث و اعلامیه‌های فرانسه و سوئیس که قبل از این تحدید حدود صادر کرده‌اند رش.

Pondaven, op. cit., no 24, pp. 60-120.

رودخانه هرمانس و مورژ (Morge)\* تا تلاقی آنها با خط میانی باشند.<sup>۲۸</sup>

آنچه که کنوانسیون ۱۹۵۳ به عنوان راه حل پیش‌بینی کرده و بر روی نقشه شماره یک رؤیت می‌شود در واقع خط میانی تقریبی یا ساده‌ای است (چون که به صورت خط گوشه‌دار درآمده است) که برای تعیین بخش مرکزی لحاظ شده است. دو خط عمود بر خط میانی نیز این خط را به دو نقطه‌ای که تشکیل‌دهنده مرز خشکی فرانسه و سوئیس در ساحل دریاچه هستند وصل می‌کنند. بنابراین مشاهده می‌شود که راه حل خط میانی برای تعیین کل مرز دو کشور مورد استفاده قرار نگرفته است چون که دو خط جانبی خطوط منصف میان سواحل مجاور دو دولت نیستند.

### ۲-۱-۳- دریاچه لوگانو و دریاچه هاژرو\*

دریاچه لوگانو در مرز ایتالیا و سوئیس به شکل نعل اسب قرار دارد، که بازوی شرقی آن بلندتر از بازوی غربی آن

---

\* . دو رودخانه هرمانس و مورژ رودخانه‌هایی هستند که به دریاچه لمان می‌ریزند.

۲۸ . رش . Ibid., pp. 67-69.

\* . Le Lac de Lugano et le Lac Majeur .

است. (نقشه شماره ۲).

طبق مفاد معاهده منعقدہ فی‌مابین کانتونهای سوئیس و اتریش در وارز (Varese) در ۲ اوت ۱۷۵۲ بخش شرقی دریاچه، که به‌طور کامل در خاک ایتالیا محاط می‌باشد، در تحت حاکمیت ایتالیا قرار دارد. طبق همین معاهده، بخش مرکزی این دریاچه، که در سرزمین سوئیس قرار دارد، (بجز قطعه ایتالیایی کامپیون (Compion) تحت حاکمیت سوئیس می‌باشد. در حالی که بخش غربی، یعنی جایی که دریاچه مرز میان دو کشور را تشکیل می‌دهد، توسط خطی از وسط آب‌ها فی‌مابین دو کشور تقسیم شده است.<sup>۲۹</sup>

مع‌هذا معاهده وارز بسیار مهم می‌باشد. به همین علت مرز ایتالیا- سوئیس در این منطقه سرانجام با انعقاد کنوانسیون در ۲۴ ژوئیه ۱۹۴۱ برای تعیین مرز میان رون دو (Run Do) یا چیمابالیدی (Cima Garibaldi) و لومون دولان (Le Mont Dolent) فی‌مابین سوئیس و ایتالیا

---

۲۹. رش. CTS. Vol 39 (1750 - 1752), p. 459. حد تعیین شده روی نقشه‌های ضمیمه معاهده مشخص شده است امادر مجموعه Parry به چاپ نرسیده‌اند.

بطور دقیق مشخص گردید.<sup>۳۰</sup> طبق مقررات این کنوانسیون لاگوپرومیسکو (Lago Promiscuo) (بخش غربی دریاچه) توسط يك خط میانی تقریبی فی‌مابین دو دولت تقسیم شده است.<sup>۳۱</sup>

در بخش مرکزی دریاچه لوگانو منطقه کامپیون (Campion)، که قسمتی از آن خشکی و قسمتی از آن آبی است، قرار دارد. کمون کامپیون، که هدیه شارل ماین (Charlemagne) به بنیاد سان‌آمبروزیو (San Ambrosio) در میلان<sup>۳۲</sup> می‌باشد و در ساحل شرقی دریاچه واقع شده است، همیشه از سوی سوئیس به عنوان منطقه‌ای واقع در خاک آن کشور اما متعلق به ایتالیا لحاظ و اعلام شده است. مرزهای این منطقه بوسیله کنوانسیون مورخ ۵ اکتبر ۱۸۷۱ منعقد فی‌مابین سوئیس و ایتالیا در مورد تحدید حدود مرز میان لومباردی (Lombardie) و کانتون تسن (Tessin)

---

۳۰. Recueil officiel des lois et ordonnances de la confederation Suisse (ci – après: Ro) 1942, p. 997. به علاوه مرز ایتالیا و سوئیس در این منطقه موضوع هفت کنوانسیون بوده است که بین سالهای ۱۹۵۲ و ۱۹۷۲ تصویب و مرز تعیین شده در کنوانسیون ۲۴ ژوئیه ۱۹۴۱ را دستخوش اصلاحات جزئی نموده‌اند.

۳۱. ما از بخش حقوق بین‌الملل عمومی دیپارتمان فدرال امور خارجه به لحاظ اطلاعات داده شده و هم از بخش نوپوگرافی فدرال برای اطلاعات دقیق و نقشه‌هایی که در اختیارمان گذاشته‌اند بی‌نهایت سپاسگزاریم.

۳۲. رش. Pondaven, pp. cit., n<sup>o</sup> 6, p. 112.

در خصوص برخی نقاط مورد اختلاف تعیین و مشخص شده‌اند.<sup>۳۳</sup> طبق مقررات این کنوانسیون مرز دریاچه فی‌مابین دو کشور توسط خط میانی مشخص شده است، چون که اصل مندرج در معاهده و ارز اعمال می‌شود که طبق آن (آن جایی که دو ساحل یکی از آن ایتالیا و دیگری از آن سوئیس است)<sup>۳۴</sup> مرز وسط دریاچه قرار می‌گیرد.<sup>۳۵</sup>

دریاچه‌ها ژور با طول ۷۰ کیلومتر و عرض ۴ کیلومتر بوسیله مرز ایتالیا - سوئیس به دو بخش نابرابر تقسیم شده است که بخش سوئیزی آن ۴۵ کیلومتر مربع و بخش ایتالیایی آن ۱۸۰ کیلومتر مربع می‌باشد (نقشه شماره ۳).<sup>۳۶</sup> مرز که توسط معاهده و ارز مورخ ۱۷۶۲ و کنوانسیون ۲۴ ژوئیه ۱۹۴۱ برقرار شده است در بخش مرکزی خود، بوسیله خط میانی تعیین شده است. این خط میانی بوسیله دو خط جانبی به دو نقطه‌ای که مرز خشکی را در دو ساحل دریاچه نشان

---

۳۳. رش.

Recueil systematique des lois et ordonnances, 1847 - 1974 (ci - apres: R.S), Vol, 11, 9, P. 91.

۳۴. رش. Ibid, P. 92.

۳۵. ما در این مقاله مسائل مربوط به ترانزیت و عبور را بررسی نمی‌کنیم، این هیچ رابطه مستقیمی با تحدید حدود ندارد.

۳۶. رش. Pondaven, op. cit., n<sup>o</sup> 6, p. 75.

می‌دهد متصل شده است. این دو خط بطور دلخواه ترسیم شده‌اند؛ آنها نسبت به خط میانی، یعنی نسبت به بخش مرکزی مرز، نه عمود هستند و نه جنبی. مجموعه حدودی که بدین ترتیب مشخص شده است در یک خط ساده خلاصه نمی‌شود که «هدف اصلی‌اش اتصال نقاط مرز خشکی واقع در سواحل دریاچه باشد».<sup>۳۷</sup> بلکه یک خط شکسته‌ای است که با استفاده از روش ترسیم خط میانی برای بخش مرکزی کشیده شده و بوسیله دو خط جانبی که به دلخواه انتخاب شده‌اند به نقاط مرز خشکی متصل شده است. بنابراین حد تعیین شده در دریاچه‌ها ژور که در نقشه شماره ۳ دیده می‌شود مطالب پ. پونداون (P. Pondaven) را که این حد چیزی جز یک «ضمیمه» از حد خشکی نیست نقض می‌کند. در واقع حد تعیین شده در دریاچه‌ها ژور یک مرز مستقل و جدا از مرز خشکی است؛ مرزی است که توسط روش‌های خاص تحدید حدود آبی و برای بخش مرکزی آن، بوسیله روش خط میانی، تعیین شده است.

### ۳-۱-۳- دریاچه‌های بالکان (اسکوتاری)،

---

۳۷. رش. Ibid., pp. 75-76.

## پرسيا و اوچريدا)\*

مسأله تعيين حدود در اين سه درياچه (اسكوتاري، پرسيا و اوچريدا بطور محسوسي با مسأله مرزهاي آلباني ارتباط دارد (نقشه شماره ۴).<sup>۳۸</sup> دولتهاي بالکان در ۱۹۳۱، بعد از پيروزي در مقابل ترکها در جريان جنگهاي بالکان، مسأله تعيين مرزهاي آلباني را به شش ابرقدرت اروپايي سپردند. معاهده صلح ۳۰-۱۷ مه ۱۹۱۳ لندن منعقده فيمابين يونان، بلغارستان، مونتهنگرو و صربستان از يكسو و ترکيه از سوي ديگر<sup>۳۹</sup> پيشبيني ميکرد که «تديد حدود مرزهاي آلباني و ساير مسائل مرتبط با آلباني»<sup>۴۰</sup> توسط آلمان، فرانسه، بریتانيا، ايتاليا، روسيه و اتریش - مجارستان حل خواهند شد.

بدین ترتیب کنفرانسي با حضور سفراي شش قدرت فوق در لندن تشکیل و دو کمیسیون تديد حدود ایجاد نمود که به

---

\*. Les Lacs des Balkans (Scutari, Prespa et Ochrida).

۳۸. رش. Ibid., p. 76 همچنین رش. به آنچه اين نویسنده در صفحه ۸۳، شماره ۲۱۳ کتاب خود پذیرفته است.

۳۹. رش.

G.F.de Martens, Nouveau Recueil General de Traite (ei - apres NRG), 3<sup>e</sup> serie, Vol. 8, p. 16.

۴۰. رجوع شود به ماده ۳ معاهده.



ترتیب مسئول تعیین مرزها در شمال و جنوب آلبانی شدند. کمیسیون مسئول تعیین مرز جنوب فی‌مابین یونان و آلبانی کارهای خود را به پایان رساند و نتایج آن کارها در پروتکل فلورانس مورخ ۱۳ دسامبر ۱۹۳۱ درج گردید. بخش مرزی که توسط این کمیسیون مشخص و تعیین شد دربرگیرنده دریاچه‌ها نبود. شروع جنگ اول جهانی مانع پایان یافتن کارهای تحدید حدود و تعیین مرز توسط کمیسیون دیگر، که مسئول تحدید حدود مرزی فی‌مابین آلبانی از یکسو و مونته‌نگرو صربستان از سوی دیگر بود، شد.<sup>۴۱</sup>

کنفرانس سفراء، پس از پایان جنگ اول جهانی، کارهای خود را از نو آغاز کرد و یک کمیسیون بین‌المللی مسئول تحدید حدود مرزهای آلبانی ایجاد کرد. این کمیسیون این بار مسئول تحدید حدود و تعیین مجموعه مرزهای آلبانی براساس کارهای سال ۱۹۱۳ شد. این کمیسیون متشکل از سه عضو از کشورهای فرانسه، انگلیس و ایتالیا از ۱۹۲۲ تا ۱۹۲۵ تشکیل جلسه داد که

---

۴۱. برای تاریخچه رش.

Office of Geography, Department of State, international Boundary Studies, Albania – Greece Boundary, n<sup>o</sup>113, et Albania – Yougoslavia Boundary, n<sup>o</sup> 116 (Washington, D.C. 1971).

نتایج کارهایش در دومین پروتکل فلورانس مورخ ژوئیه ۱۹۲۶ درج گردید.<sup>۴۲</sup>  
براساس پروتکل ۱۹۲۶، سه دریاچه مورد نظر، بخشی از مرز را تشکیل می‌دهند.<sup>۴۳</sup>

حد دریاچه اسکوتاری، واقع بین آلبانی و مونته‌نگرو، بشرح زیر تعیین گردید:

«... سپس مرز به سمت پایین تا دریاچه اسکوتاری که فی‌مابین دهکده زگویی (Zogai) متعلق به آلبانی، و دهکده اسکیا (Skya) متعلق به پادشاهی صرب، کروات و اسلونی کشیده می‌شود. بدین ترتیب مرز از سواحل ۳۵۴، ۲۱۱، ۳۲ و ۱۷ می‌گذرد. مرز از آخرین نقطه، بوسیله یک خط عادی ساحلی، به سمت وسط دریاچه رفته و تا رسیدن به خط مستقیمی که بوسیله تاسیسات اسکوتاری در جنوب شرقی و قله ورانینا (Vranina) در شمال غربی دریاچه مشخص شده ادامه می‌یابد، مرز

---

۴۲. رش.

Commission internationale de délimitation des frontières de l'Albanie protocole de delimitation, avec 10 annexes, (Florence, 1926).

۴۳. رش.

Ibid, Annexes (Des cription générale de la frontière), PP. 18 – 21.

بوسیله این خط بسوی شمال غربی تا نقطه ای ادامه می‌یابد که از آنجا عمود بر این خط از نقطه تلاقی خط القعر (تالوگ) خور لیچنی هوتیت (Litcheni Hotit) با خط مستقیمی که بوسیله دو علامت نصب شده بر مصب خور مشخص شده می‌گذرد. مرز دوباره در جهت تالوگ خور، تا ارتفاع تقریباً ۱۴۰۰ متری جنوب غربی هونی - هوتیت (Honi - Hotit) بالا می‌رود؛ مرز، در آنجا با تغییر جهت به سمت شمال - غربی بطور طبیعی به ساحل شمال - غربی خور یعنی ساحل ۲۲۳ رسیده و از آنجا به سوی ساحل ۴۰۹ بارلایی (Barlai) می‌رود».<sup>۴۴</sup>

بنابراین مرز ایجاد شده ترکیبی است. بدین ترتیب که در بخش جنوبی هندسی است چونکه تا مدخل ورودی خور لیچنی هوتیت متشکل از خطوط مسقیمی است که به اشکال مختلف مشخص شده اند،<sup>۴۵</sup> و از این نقطه، خط القعر (تالوگ) دریاچه مرز را تشکیل می‌دهد و سپس در ادامه، با تغییر جهت، به وسیله خطی عمودی به ساحل می‌رسد. دریاچه اوچریدا به ترتیب زیر تحدید

---

۴۴. رش. Ibid., p.18.

۴۵. در مورد تالوگ دریاچه ای به طور کلی رجوع شده به همین مقاله.

حدود شده است:

«مرز به طور طبیعی از ساحل دریاچه در نزدیکی ساحل ۷۰۱ آغاز و تا رسیدن به خط مستقیمی که کلیسای بوگورودیتسا (Bogoroditsa) را به ساحل ۷۲۰ واقع بر بلندی در فاصله ۷۵۰ متری، تقریباً در غرب سنناووم (St - Naoum)، متصل می‌کند ادامه می‌یابد. مرز توسط این خط تا ساحل ادامه دارد.<sup>۴۶</sup>

ما، در اینجا، یک مرز کاملاً هندسی مرکب از خطوط مستقیم داریم. حال به حدّ در دریاچه پرسپا به شکلی که در پروتکل ۱۹۲۶ فلورانس مشخص شده است نظر می‌افکنیم:

«حد به لبه دریاچه پرسپا تا ساحل ۸۶۱ می‌رسد. سپس این حد از ساحل دور شده و در داخل دریاچه نصف‌النهار را پی می‌گیرد که از این نصف‌النهار آن ساحل و دو نقطه ۱ و ۲ واقع در بخش ۱ مرز یونان - آلبانی عبور می‌کنند. بدین ترتیب نقطه مشترک سه دولت آلبانی، یونان و پادشاهی صربستان، کرواسی و اسلونی در آبهای

---

Protocole de délimitation, Annexe 3, op.cit., p.21.

۴۶. رش.

دریاچه پرسپا، در جنوب - جنوب شرقی جزیره ولیکی گراد (Veliki Grad) که متعلق به پادشاهی صربستان، کرواسی و اسلوانی است، قرار می‌گیرد.<sup>۴۷</sup>

مرز بین یونان و آلبانی قبلاً در ۱۹۲۵ توسط همین کمیسیون مشخص شده بود و آن خطی است که، از نقطه مشترک (سه دولت) واقع در جنوب‌شرقی جزیره ولیکی گراد شروع و با دنبال نمودن عرض جغرافیایی ۳۹ ° ۱۸ به سوی قلعه کوه ویسارویوی (Vissaroyivie)، نقطه ۱۲۱۴، واقع در ساحل جنوبی دریاچه می‌رود. مرز میان یوگسلاوی و آلبانی خطی است که، از همان نقطه مشترک (سه دولت) شروع می‌شود و با دنبال نمودن طول جغرافیایی ۲۰ ° ۵۱ ۴۰ تا ساحل شرقی دریاچه ادامه می‌یابد.<sup>۴۸</sup>

در اینجا از روش تحدید حدود نجومی استفاده شده است چونکه خطوط مستقیم طول و عرض جغرافیایی را دنبال می‌کنند که یکدیگر را در نقطه مشترک (سه دولت) قطع می‌کنند. مرز جزیره ولیکی گراد را، که یوگسلاوی آن را برای خود حفظ کرده است،

۴۷. رجوع شود به منبع قبلی.

۴۸. رش. Ibid صفحه شماره ۱۱ (نقشه) منضم به پروتکل مربوطه تعیین کامل مرز در دریاچه پرسپا.

در نظر می‌گیرد.

به‌طور کلی، تحدید حدود سه دریاچه بالکان نه با استفاده از روش خط میانی، بلکه براساس روشهای مختلف انجام شده است. مرز در این دریاچه‌ها کم و بیش خطوط مستقیمی هستند که یا عمود بر ساحل بوده یا عمود بر یکدیگر می‌باشند.

## ۲-۳- دریاچه‌های بزرگ امریکای شمالی

اصطلاح «دریاچه‌های بزرگ» شامل دریاچه‌هایی می‌شود که تشکیل‌دهنده مرز میان کانادا و ایالات متحد امریکا می‌باشند، به‌خصوص دریاچه دبوآ (Des Bois) (نقشه شماره ۵)، دریاچه‌های سوپریور (Supérieur)، (نقشه شماره ۱۶) هورون (Huron) (نقشه شماره ۷)، اریه و سن - کلا (Erié، St- Clair) (نقشه شماره ۸) و انتاریو (Ontario) (نقشه شماره ۹) که به‌وسیله یک شبکه از رودها و کانالها به یکدیگر راه داشته، از طریق رودخانه سن لوران (St- Laurent) با اقیانوس اطلس ارتباط دارند. این دریاچه‌ها با مساحتی حدود ۱۰۰۰۰۰۰ مایل مربع آب بزرگترین مجموعه دریاچه‌های مرزی را تشکیل می‌دهند.

در معاهده صلح پاریس مورخ ۲ سپتامبر ۱۷۹۳ که پایان بخش جنگهای استقلالطلبانه امریکاست دو کشور انگلستان و ایالات متحد امریکا پذیرفتند که دریاچه‌های بزرگ تشکیل‌دهنده مرز طبیعی فیما بین امریکا و کانادا است.<sup>۴۹</sup> طبق این معاهده «میان آبها» (به جز دریاچه سوپر یورو دریاچه دبوآ) مرز میان دو دولت را تشکیل می‌دهد.<sup>۵۰</sup> معاهده صلح ۱۷۸۳ مبنای حقوقی کلیه مذاکرات بعدی برای تعیین دقیق مرز قرار گرفت، مذاکراتی که بیش از یک قرن به طول انجامید.

در واقع اصطلاح «میان آبها» برای اجرا در این منطقه بسیار مبهم است چون که عدم وجود کامل داده‌های نقشه‌برداری و وجود ادعای حاکمیت از سوی دو دولت بر جزایر فراوان واقع در منطقه سبب مشکل بودن تحدید حدود در این منطقه می‌شد. این مشکلات سرانجام در معاهده صلح و دوستی

---

۴۹. رش.

W.M. Malloy, Treaties, Conventions, International Acts, Protocols and Agreements between U.S.A. and other powers 1776-1909 (Washington D.C. Government Printing office, 1910), vol. I, p. 586.

۵۰. رش. ماده ۲.

گانند (Gand) در ۲۴ دسامبر ۱۸۲۴ حل شدند.<sup>۵۱</sup> به‌خصوص این معاهده کمیسیون متشکل از دو عضو (کمیسر) ایجاد نمود که مسئول مشخص نمودن معنای اصطلاح «میانه رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و ارتباطات آبی» و تعیین تعلق حاکمیت بر برخی از جزایر شد.<sup>۵۲</sup> دو کمیسر در مورد تحدید حدود بخش شرقی مرز که از رودخانه سن - لوران شروع تا آبراه متصل‌کننده دریاچه‌های هورن و سوپریور، ادامه دارد موافقت کردند؛ در مورد مابقی مرز تا نقطه شمال - غربی دریاچه دبوآ، نیز به تعیین دستی آن بر روی نقشه اکتفا کردند. این تحدید حدود در معاهده واشنگتن (وبستر- آشبورتون) (Webster-Ashburton) مورخ ۱۸۴۲ و نقشه‌های ضمیمه‌اش مورد تأیید قرار گرفت. نقشه‌های ضمیمه مرز را با یک خط سینوسی پیچیده‌ای پیش‌بینی کردند.<sup>۵۳</sup>

علی‌رغم تلاش‌های دو کمیسر برای ترسیم مرز بر روی دریاچه‌های بزرگ و مقررات معاهده ۱۸۴۲ مع‌هذا، در پی حادثه‌ای که در سال ۱۹۰۶ در دریاچه اریه رخ داد،

۵۱. رش. Malloy, op.cit., p. 612.

۵۲. رش. مواد ۶ و ۷ معاهده گانند.

۵۳. رش به مواد ۲ و ۱ در Malloy, op.cit., p. 650.



مشخص شد که داده‌های جغرافیایی که مبنای  
تحدید حدود قرار گرفته بودند، به‌خصوص  
اطراف دریاچه‌ها، ناقص و حتی غلط  
بوده‌اند.

کمیسیون بین‌المللی آبراهها، که در  
۱۹۰۵ به‌وسیله دو دولت برای مطالعه  
مسائل مربوط به بهره‌برداری اقتصادی از  
رودخانه‌ها و دریاچه‌های امریکا-  
کانادا<sup>۵۴</sup> ایجاد شده بود، نیز مسئول  
بررسی مسئله اصلاح مرز میان دو کشور شد.  
این کمیسیون در گزارش مورخ ۱۹۰۷ تلاش  
می‌کند گستره مبحث «خط میانی» را مشخص  
نماید. این کمیسیون پس از آن اعلام کرد  
که خط میانی اصلی کلی است که باید  
راهنمای تحدید حدود باشد، اما امکان  
تفسیر موسع آن با ایجاد مرزی نزدیک به  
یک خط میانی هندسی وجود دارد.<sup>۵۵</sup>

معاهده جدیدی برای تعیین مرزها در  
۱۹۰۸ فیما بین کانادا و ایالات متحد  
امریکا منعقد گردید. این معاهده، که

---

۵۴. رش.

D.C Piper, The international Law of the Great Lakes. A Study of Canadian-United States Co-  
operation (Durham, N.C.: Duke university press, 1967), p. 15.

۵۵. برای متن گزارش رش.

Canada Sessional Papers, vol. 47 (1913), n<sup>o</sup> 13 paper 19 a, p. 576.

براساس کارها و پیشنهادات کمیسیون بین‌المللی ۱۹۰۵ منعقد گردید، آن کمیسیون را مسئول تحدید حدود مرز دو کشور نمود. مرز در دریاچه‌های هورون، اریه، سن کلر و اونتاریو مرکب از خطوط مستقیم نزدیک به خط میانی است.<sup>۵۶</sup> اما مرز در دریاچه دبوآ مستقل از آن خط میانی بوده و از یک حد هندسی ساده تشکیل شده است که با عبور از میان چندین جزیره دریاچه و خروج از دریاچه به نقطه‌ای در شمال غربی واقع بین نصف‌النهارات ۴۹ و ۵۰ می‌رسد.

کمیسیون بین‌المللی آبراهها با استناد به این معاهده بود که مبادرت به تعیین مرز در دریاچه‌های بزرگ نمود. این مرز مرکب از ۲۷۰ خط مستقیم است.

### ۳-۳- دریاچه‌های بزرگ افریقا

#### ۳-۳-۱- دریاچه چاد\*

دریاچه چاد با مساحت متغیر ۱۲۰۰۰

---

۵۶. برای متن معاهده ۱۹۰۸ رش. NRG, 3e série, vol. 4, p. 191. ماده ۴ در مورد مرز دریاچه‌های بزرگ به استثناء مرز دریاچه «دبوآ» می‌باشد. مرز در دریاچه اخیر موضوع ماده ۵ می‌باشد.

\*. Le Lac Tchad.

تا ۲۶۰۰۰ کیلومتر مربع در میان کشورهای جمهوری چاد، نیجر، نیجریه و کامرون قرار دارد (نقشه‌های ۱۰ تا ۱۲). به علت تبخیر شدید آب شکل این دریاچه و سطح آب آن بسیار متغیر است.<sup>۵۷</sup>

اختلاف میان قدرتهای استعماری آلمان، فرانسه و بریتانیا سبب شده بود که تحدید حدود در منطقه چاد، و به‌خصوص دریاچه واقع در آن، بسیار مشکل شود. تحدید حدود دریاچه چاد از طریق انعقاد موافقتنامه‌های دوجانبه فیما بین قدرتهای استعماری فوق در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم انجام شده است.

فرانسه و بریتانیا در ۱۸۹۶ با صدور اعلامیه مشترکی یک کمیسیون مختلط تحدید حدود برای دریاچه چاد ایجاد کردند.<sup>۵۸</sup> کارهای این کمیسیون پس از پایان در کنوانسیون ۱۴ ژوئن ۱۸۹۸ در مورد تحدید حدود مناطق تحت نفوذ در شرق و غرب نیجر

---

۵۷. دریاچه چاد، ده هزار سال پیش، ده برابر بزرگتر از اندازه فعلیش بود. رش.

Encyclopédia universalis (Paris, 1968), vol. 9, p. 1027.

۵۸. رش.

E. Hertslet, The map of Africa by Treaty, 3e é d. 3 vol. (Londres: Harrison and sons, 1909), vol. II, p. 765.

گنجانده شد.<sup>۵۹</sup> ماده ۴ این کنوانسیون قسمت زیر را در منطقه تحت نفوذ فرانسه قرار داده است.

«ساحل شمالی، شرقی و جنوبی دریاچه، واقع است فیما بین نقطه‌ای که مدار ۱۴ درجه عرض شمالی ساحل غربی دریاچه را دوباره قطع می‌کند و نقطه برخورد با ساحل دریاچه در مرزی که توسط کنوانسیون فرانسه-آلمان در ۱۵ مارس ۱۸۹۴ تعیین شده است.<sup>۶۰ ۶۱</sup>»

این حدود سپس با موافقتنامه فرانسه - بریتانیا مورخ ۸ آوریل ۱۹۰۴ مشخص گردید. براساس این موافقتنامه مدار ۱۴ با مداری که از خط‌القعر مصب رودخانه

---

<sup>۵۹</sup>. اصطلاح حدود نفوذ (Sphères d'influence) بسیار مبهم و گسترده است که قدرتهای اروپایی در دوران استعمار افریقای سیاه در قرن ۱۹ به‌کار می‌بردند و بدین‌ترتیب منطقه تحت نفوذ خود را مشخص می‌کردند و مانع از طرح ادعای دیگران در آن منطقه می‌شدند. در این مورد رش.

M.F. Lindley, *The Acquisition and Government of Backward Territory in international Law* (londres: Longmans, 1926). p. 236.

<sup>۶۰</sup>. رش. Hertslet, op.cit., vol. II, p. 785.

<sup>۶۱</sup>. کنوانسیون ۱۵ مارس ۱۸۹۴ حاوی مقرراتی در مورد مشخص نمودن خط تحدید حدود مناطق نفوذ فرانسه و آلمان منطقه چاد می‌باشد. آلمان، در عمل به دریاچه دسترسی نداشت، حد محدوده نفوذ آن کشور به وسیله بخشی از ساحل جنوبی دریاچه مشخص شده بود. این مقررات توسط موافقتنامه‌های بعدی ملغی شدند. رش. Hertslet, op.cit., vol. II, p. 657.

660.

کومادوگو - اوابه (Komasdougou-Ouobé) در  
دریاچه چاد از آن می‌گذرد جابجا  
گردید.<sup>۶۲</sup>

ماده يك موافقتنامه فرانسه -  
بریتانیا مورخ ۲۹ مه ۱۹۰۶ مرز را به شرح  
زیر تشریح می‌کند (نقشه شماره ۱۰):  
«مرز از مصب کومادولوگو-وب (اوابه)  
[ouobé] Komadlugou-vobe در دریاچه شروع و با  
طی خط موازی عرض جغرافیایی به سوی شرق  
پیش می‌رود. عرض جغرافیایی مورد نظر همان  
است که خط‌القعر مصب رودخانه مذکور تا  
نقطه‌ای که این خط موازی در يك فاصله ۳۵  
کیلومتری از مرکز دهکده بوسو (Bosso) قرار  
می‌گیرد از آن عبور می‌کند. مرز از این  
نقطه به صورت خط مستقیم از روی نقطه تلاقی  
سیزدهمین خط موازی عرض جغرافیایی -  
شمالی با جنوبی که از ۳۵ مرکز شهر  
کوکاوا (Kukawa)، نصف‌النهار پیش‌بینی شده  
در کنوانسیونهای ۱۴ ژوئن ۱۸۹۸ و ۸ آوریل  
۱۹۰۴، می‌گذرد ادامه می‌یابد».<sup>۶۳</sup>  
سلطه واقعی آلمان بر بخشی از دریاچه

---

Ibid, p. 818.

۶۲. رش.

۶۳. برای متن اصلی رش. Hertslet, op.cit., vol. II, p. 843 ترجمه  
فرانسوی آن توسط پونداون ارائه شده است رش. Pondaven, op. cit.,  
n<sup>o</sup> 6, p. 39.

چاد با انعقاد موافقتنامه آلمان-بریتانیا در ۱۹ مارس ۱۹۰۶ آغاز شد. براساس این موافقتنامه آلمان توانست به دریاچه دسترسی یابد، در حالی که تا آن موقع دسترسی آلمان محدود به ساحل دریاچه بود. مرز به شرح زیر تعیین شده است (نقشه شماره ۱۱):

ماده ۷: مرز ... براساس خط مورد ادعای آلمان یعنی خط مستقیم تا جایی که این خط نصف‌النهار ۳۵ را در شرق شهر کوکاوا قطع می‌کند ادامه دارد که کمیسیون تحدید حدود آن را با این دو پایه عمودی که در قسمت فوقانی جذر دریای آزاد قرار داده مشخص نموده است. مرز، از این نقطه، این نصف‌النهار را به سوی شمال پیش می‌گیرد.<sup>۶۴</sup>

آلمان، پس از تعیین مرز با بریتانیا در ۱۸ آوریل ۱۹۰۸، پروتکلی با فرانسه منعقد کرد که مرز میان کنگوی فرانسه و کامرون را مشخص می‌کرد. ماده ۱ این پروتکل مقرر می‌دارد که:

ژ: ..... مرز از شاری (chari) تا مصب خود در دریاچه چاد به سوی پایین

Herslet, op.cit., vol. III, p. 937.

۶۴. رش.

ادامه دارد .....

**ك:** مرز از مصب شاخه اصلي قابل  
كشتيراني شاري در چاد، به شكلي كه در  
نقشه ضميمه اين پروتكل مشخص شده است، به  
محل تلاقي نصفالنهار ۸° ۱۲ شرق پاریس  
(شرق گرینویچ ۲۸ ۱۴) با خط موازي ۵° ۱۳  
عرض شمالي مي‌رسد و سپس به سوي غرب اين  
خط (موازي) تا مرز فرانسه - انگلستان  
(كه طبق كنوانسيون ۲۹ مه ۱۹۰۶ تعيين  
شده است) ادامه مي‌يابد. مسلم است كه  
جزاير چاد، كه در غرب و جنوب مرز فوق  
قرار دارند بخشي از خاك آلمان محسوب  
مي‌شوند. جزايري كه در شرق و شمال قرار  
گرفته‌اند بخشي از متصرفات فرانسه  
مي‌باشند.<sup>۶۵</sup>

آلمان در پايان جنگ اول جهاني  
مجبور شد كه از متصرفات خود در افريقي  
استوايي صرفنظر كند (ماده ۱۲۵ معاهده  
ورساي) و كامرون متعلق به آلمان،  
به عنوان سرزمين تحت نمايندگي، ميان  
بريتانيا و فرانسه تقسيم شد. دو دولت  
در ماده يك اعلاميه مشتركه كه در ۱۰  
ژوئيه ۱۹۱۹ در لندن در مورد مرز ميان

R.G.D.I.P., 15 (1908): 426.

۶۵. رش

دو کامرون صادر کردند مرز خود را در دریاچه چاد به شرح زیر تعیین نمودند:  
مرز از نقطه تلاقی سه مرز قدیمی انگلستان، فرانسه و آلمان آغاز می‌شود. این نقطه تلاقی در دریاچه چاد در ۵° ۱۳ عرض شمالی و تقریباً ۵° ۱۴ طول شرقی گرینویچ قرار دارد. مرز، از آنجا، به این شکل تعیین می‌گردد:

۱. توسط يك خط مستقيم تا مصب ابثي (Ebeji)<sup>۶۶</sup>

همین تحدید حدود مجدداً در یادداشتی که در ۹ ژانویه ۱۹۳۱ در مورد مرز میان قلمرو نفوذ فرانسه و بریتانیا در سرزمین تحت نمایندگی کامرون صادر گردیده لحاظ شده است.<sup>۶۷ ۶۸</sup>

در اینجا هم قسمت اعظم مرز با خطوط مستقیمی تعیین شده است که نقاط شروع آنها به طرق مختلف انتخاب شده اند (یا

---

۶۶. دولتهای جانشین قدرتهای استعماری به این مرزها اعتراضی نکرده اند، این کشورها برعکس در جریان کنفرانس فورت لامي (Fort-Lamy) در دسامبر ۱۹۶۲ برای شناسایی صریح مرزهای موجود در دریاچه موافقت کردند رش.

P. Sand "Development of international water Law in the Lake chad Basin, zeitschrift für ausländisches öffentliches Recht und völkerrecht 34 (1974): 68.

NRG, 3<sup>e</sup> serie, vol. 15, p. 263.

۶۷. رش.

NRG, 3<sup>e</sup> serie, vol. 25, p. 478.

۶۸. رش.



محلي است که در ساحل دریاچه واقع شده است، یا نقاط تلاقي يك نصفالنهار با يك مدار می‌باشد).

همان‌گونه که نقشه شماره ۱۲ می‌دهد، مرز توجهی به وجود جزایر ندارد چونکه، به‌جای فاصله گرفتن و دور زدن این جزایر، آنها را به دو قسمت تقسیم کرده است. روش خط میانی مورد استفاده قرار نگرفته است.

### ۲-۳-۳- دریاچه ویکتوریا

دریاچه ویکتوریا با ۶۸۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت و تقریباً ۴۰ متر عمق از شمال به اوگاندا از شرق به کنیا و از جنوب به تانزانیا محدود است (نقشه ماده ۱۳). کنیا و اوگاندا، ابتدا از متصرفات انگلستان، سپس جزو مستعمرات و سرزمینهای تحت نمایندگی آن کشور بودند، در حالی‌که تانزانیا به آلمان تعلق داشت.

تحدید حدود در دریاچه ویکتوریا فیما بین آلمان و بریتانیا در پایان قرن نوزدهم انجام شد. ماده يك ترتیبات مربوط به متصرفات هر يك از دو دولت در

مرز در دریاچه‌های... ❖ ۹۳

افریقای شرقی و جزیره هلگولاند (Helgoland) که در اول ژوئیه ۱۸۹۰ منعقد شده است، مرز را در دریاچه ویکتوریا به شرح زیر تعیین کرده است:

«سپس مرز مستقیماً تا نقطه واقع در ساحل شرقی دریاچه ویکتوریا کشیده می‌شود... که در آنجا با اولین خط موازی عرض جنوبی قطع می‌شود؛ بعد از آن مرز با عبور از دریاچه در ادامه همین خط موازی تا مرز دولت مستقل کنگو ادامه می‌یابد و در آنجا پایان می‌پذیرد».<sup>۶۹</sup>

بعد از سال ۱۹۲۰، زمانی که بخشی از کنیا به صورت مستعمره و بخشی به شکل نمایندگی بریتانیا درآمد، و این در حالی بود که قبلاً به طور کامل جزو متصرفات آن کشور محسوب می‌شد، بریتانیا مجبور شد که مرزی میان کنیا و اوگاندا ترسیم کند. وجود تعدادی جزیره در بخش شرقی دریاچه این تحدید حدود را با مشکل مواجه کرد.

بریتانیا در ۱۹۲۶، فرمانی صادر و طی آن بخش شرقی دریاچه را تحدید

---

NRG, 2e série, vol. 16, p. 894.

۶۹. رش.

نمود. ۷۰ این فرمان به طور کامل در قانون اساسی ۱۹۶۷ اوگاندا وارد شده است که ماده ۲ اشعار می‌دارد.

«مرز از آنجا (منظور مصب رودخانه سیو Sio می‌باشد) به صورت خط مستقیم در جهت جنوب - غربی تا شمالی‌ترین نقطه جزیره سومبا (Sumba) ادامه دارد؛ از آنجا سواحل غربی و جنوب غربی این جزیره را دور زده تا به جنوبی‌ترین نقطه خود برسد؛ سپس از نقطه اخیر با خط مستقیمی به سوی جنوب - شرقی تا غربی‌ترین نقطه جزیره ماجتا (Mageta) ادامه می‌یابد، بعد از آن با یک خط مستقیم، باز به سوی جنوب، تا غربی‌ترین نقطه جزیره کی‌لین جیتی (Kilingiti) کشیده می‌شود، با از آنجا یک خط مستقیم به سوی جنوب تا غربی‌ترین نقطه جزیره ایلمبا (Ilemba) ادامه می‌یابد؛ از آنجا هم با یک خط مستقیم به سوی جنوب تا غربی‌ترین نقطه جزیره پیرامید (Pyramide) تداوم می‌یابد؛ و سرانجام از آنجا با یک خط به سوی جنوب تا نقطه ای در

---

70. The Kenya colony and protectorate (Boundaries) order - in -council, 1926; statutory Rules and orders 1926/1733, cité par A.C. Mc Ewen International Boundaries of East Africa (Oxford: Clarendon press, 1971) p. 250. n° 1.

عرض جغرافیایی S ۴۰ ° ۰۱ می‌رسد.<sup>۷۱</sup>  
نقطه مشترکی که حدود سه دولت در  
آنجا گرد می‌آیند در ۵۶ ۳۳ عرض شرقی  
قرار دارد.<sup>۷۲</sup>

در اینجا شاهد یک تحدید حدود مختلط  
هستیم: ابتدا یک خط نجومی است که  
تشکیل‌دهنده مرز فیما بین تانزانیا و  
اوگاندا می‌باشد؛ و سپس خطوط نیمه  
شکسته‌ای هستند، که به لحاظ اجتناب از  
قطع جزایر، مرزهای فیما بین کنیا و  
اوگاندا از یکسو، و فیما بین کنیا و  
تانزانیا از سوی دیگر را تشکیل می‌دهند.  
روش خط میانی در هیچ جا مورد استفاده  
قرار نگرفته است.

### ۳-۳-۳- دریاچه آلبرت و ادوارد\*

دریاچه‌های آلبرت و ادوارد به ترتیب  
با ۵۳۰۰ کیلومتر مربع و ۲۱۵۰ کیلومتر  
مربع (نقشه‌ای ۱۴ و ۱۵) مرز فیما بین

---

۷۱. برای متن ماده ۲ قانون اساسی اوگاندا ر.ش. McEwen,  
op.cit., p. 299.

۷۲. ر.ش.

Office of the geographer, Departement of State, International Boundary Studies, Tanzania,  
Uganda Boundary, n<sup>o</sup> 55.

\*. Les Lacs Albert et Edouard.

زئیر\*\* و اوگاندا را تشکیل می‌دهند. دو قدرت استعماری منطقه یعنی بلژیک و انگلستان، اختلافات زیادی در این منطقه در دوران استعمار داشتند. دریاچه‌های آلبرت و ادوارد، که قابل کشتیرانی بوده و بخش اعظمی از شبکه آبی افریقای شرقی را تشکیل می‌دهند، برای توسعه تجارت و ارتباط بین دولتهای افریقای ضروری بودند.<sup>۷۳</sup>

بریتانیا و دولت مستقل کنگو در ۱۲ مه ۱۸۹۴ موافقت کردند دریاچه آلبرت به‌طور کامل در تحت حاکمیت انگلستان درآید و دریاچه ادوارد نیز میان دو دولت تقسیم گردد. تحدید حدود در دریاچه ادوارد با خطی انجام می‌گیرد که باید در ادامه خط جنوبی در عرض ۳۰ درجه باشد.<sup>۷۴</sup>

اولین تلاش در سال ۱۹۰۲ برای تعیین مرز منجر به تشکیل یک کمیسیون مختلط

---

\*\* . لازم به تذکر است که نام این کشور در حال حاضر کنگو دموکراتیک می‌باشد.

۷۳ . دلایل بلژیک در مورد ادعاهایش بر دریاچه آلبرت توسط پونداون تشریح شده است.

Pondaven, op.cit., n<sup>o</sup> 6, p. 43. رش.

۷۴ . رش. به ماده ۱، بند الف کنوانسیون در

Herslet, op.cit., vol. II, p. 578, MC Ewen, op.cit., p. 236.

(انگلیس - آلمان) شد؛ چون که ابتدا باید مناطق نفوذ این دو کشور تعیین می‌شدند. کمیسیون احراز کرد که یکی از ضمایم موافقتنامه ۱۸۹۴ خط جنوبی را ۱۲ مایل در غرب محل حقیقی‌اش لحاظ نموده است و اگر این خط در جای واقعی خود قرار گیرد، دریاچه ادوارد به‌طور کامل در منطقه تحت نفوذ بلژیک واقع می‌شود.<sup>۷۵</sup> واضح است که این تحدید حدود به‌طور محسوسی به زیان انگلستان می‌باشد، به همین دلیل مذاکرات بعدی در مورد دسترسی هر دو قدرت بر دریاچه متمرکز شدند. بلژیک معتقد بود که هر دو دریاچه باید فی‌مابین آن کشور و بریتانیا تقسیم شوند.<sup>۷۶</sup> در سال ۱۹۱۰ یک «کمیسیون بین‌المللی برای بررسی برخی اختلافات مرزی در افریقای شرقی»<sup>۷۷</sup> در بروکسل ایجاد شد. سرانجام مشورتهای فی‌مابین در ۱۴ مه ۱۹۱۰ منجر به انعقاد کنوانسیون شد که طبق مفاد آن هر دو دولت دریاچه آلبرت را با استفاده از یک خط میانی فی‌مابین خود تقسیم کردند. این خط طبق

Mc Ewen, op.cit., p. 241.

Pondaven, op.cit., n<sup>o</sup> 6, pp. 43 et 55.

Ibid., p. 45.

۷۵. رش.

۷۶. رش.

۷۷. رش.

کنوانسیون ۱۹۱۰ متشکل از «خطالقر» رودخانه سملیکی (Semliki) تا مصب این رودخانه در دریاچه آلبرت بود. از این مصب، این خط از یک دسته خطوط مستقیمی تشکیل می‌شود که با عبور از دریاچه آلبرت از نقاطی می‌گذرند که به فاصله برابر از دو ساحل و واقع بر خطوط موازی ۱۳۰، ۱۴۵ و ۲ از عرض شمالی قرار دارند تا اینکه سرانجام به نقطه‌ای واقع در فاصله‌ای برابر از دو ساحل بر روی خط موازی ۲۷ عرض شمالی برسد. سپس مرز به سوی غرب رفته تا با خط مستقیمی به نقطه واقع در ساحل در حد جنوبی نوار ماهاجی (Mahagi) برسد.<sup>۷۸</sup>

تحدید حدود فوق در موافقتنامه منعقد در لندن در ۳ فوریه ۱۹۱۵ فیما بین بریتانیا و بلژیک در مورد مرز در افریقای شرقی مورد تأیید قرار گرفت. همین موافقتنامه مرز در دریاچه ادوراد را نیز تعیین نمود. مرز در دریاچه ادوراد خط مستقیمی است که از مصب رودخانه

---

۷۸. ر.ش.

P. Van Vracem, La frontière de la Ruzizi- Kivu de 1894 à 1910, Conflits germano- conglaï et anglo- Conglaï en Afrique orientale, thèse, université officielle du Congo belge et du Ruanda-Urunde, 1958-1959, p. 234, Annexe Vi. Cité par pondaven, op.cit., n<sup>o</sup>, p. 45, n<sup>o</sup> 110.

ایشاشا (Ishasha) در ساحل جنوبی ترسیم و تا  
مصب رودخانه اینبیلیا - چاتو (Inbiliala-Chato)  
در ساحل شمالی ادامه دارد.<sup>۷۹</sup>  
بنابراین از خط میانی تقریبی برای  
تحدید حدود دریاچه ادوارد استفاده شده  
است. این دو تحدید حدود سهم تقریباً  
برابری از آب دو دریاچه را برای  
دولتهای ساحلی تضمین نموده است.<sup>۸۰</sup>

#### ۳-۳-۴ - دریاچه کیوو\*

دریاچه کیوو با مساحت ۲۶۵۰  
کیلومترمربع فیما بین زئیر و روآندا  
واقع شده (نقشه شماره ۱۶) و مدتها محل  
مناقشه فیما بین بلژیک و آلمان بود. مرز  
میان دو کشور به طور نظری براساس  
معاهده ای که در ۱۸۸۴ فیما بین آلمان و  
انجمن بین المللی کنگو (در زمان لئوپلد  
دوم) منعقد گردید مشخص شد. در این  
معاهده ذکر کرد که دریاچه کیوو به میان  
نیامده بود. دریاچه کیوو، در نقشه های

---

۷۹. رش.

H.B. Thomas et A.E. Spencer. A History of Uganda (Entebbe: Land and Survey department and Government press, 1938), p. 37.

Mc Eween, op.cit., p. 247.

۸۰. رش.

\*. I. e Lac Kivu.



مختلف آن زمان، گاه در سرزمین متعلق به آلمان و گاه در سرزمین کنگو ترسیم می‌شد.<sup>۸۱</sup>

آلمانها که خواهان استقرار در این منطقه بودند به زور ساحل شرقی دریاچه را اشغال نمودند و بلژیکیها پس از اعتراضات بی‌ثمر سرانجام حاضر به مذاکره شدند. بنابراین دو گرایش وجود داشت، از یکسو آلمانها خواهان در اختیار گرفتن کل دریاچه بودند و، از سوی دیگر، بلژیکیها تمایل به مذاکره و تقسیم دریاچه با همسایه خود را داشتند. علی‌رغم وجود این اختلاف‌نظر، بالاخره دو دولت موفق به انعقاد پروتکل برنارت - آلونزلوبن (Bernaert-Alvensleben) در ۱۰ آوریل ۱۹۰۰ شدند. طبق این پروتکل دریاچه تقسیم و کمیسیونی برای تعیین دقیق موقعیت دریاچه ایجاد شد.<sup>۸۲</sup> <sup>۸۲</sup> مع‌هذا، کمی بعد، آلمان به این تحدید حدود ایراد کرده و جزایر واقع در نزدیکی ساحل کنگو را اشغال نمود و همچنین مدعی جدی بر ساحل

---

Pondaven, op.cit., n 6, p.22.

۸۱. رش.

۸۲. رش.

Van Vracem, op.cit., p. 223, Annexe II, cité par Pondaven, op.cit., n<sup>o</sup> 6, p. 37.

Van Vracem, Loc-cit.

۸۳. رش.

شرقي درياچه شد. دولت كنگو، بر اجراي پروتكل ۱۹۰۰ اصرار مي‌ورزید و پيشنهاده مذاكرات مستقيم را مطرح مي‌کرد.<sup>۸۴</sup>

در سال ۹۱۰ يك كميسيون بين‌المللي براي بررسي برخي اختلافات مرزي در افريقاي شرقي در بروكسل ايجاد شد.<sup>۸۵</sup>

كارهاي اين كميسيون در اطراف جزاير درياچه كيوو متركز شدند، كه مهمترين آنها جزيره كاويجوي (Kwidjwi) يا ايجوي (Idjwi)، در نزديكي ساحل كنگو، بود كه در آن مقرر يك ميسيون پروتستان آلماني قرار داشت. سرانجام مذاكرات در اين كميسيون منجر به انعقاد يك موافقتنامه در ۱۴ مه ۱۹۱۰ شدند.<sup>۸۶</sup> طبق اين موافقتنامه، جزيره كاويجوي به كنگو بازگردانده شد و مرز هم مي‌بايست از ميان ساحل شرقي و برخي از جزاير عبور كند.<sup>۸۷</sup>

---

۸۴. رش. Pondaven, op.cit., n 6 p. 61 همچنين به همين مقاله رجوع شود.

۸۵. رش. Van Vracem op.cit., cité par Pondaven op.cit., n 6 p. 62.

۸۶. رش.

L'Accord reproduit par: the office of the Geographer, departement of state, international Boundary Studies, Congo (Léopoldville)- Rwanda Boundary, n<sup>o</sup> 52, p. 3.

۸۷. رش. موافقتنامه ۱۴ مه ۱۹۱۰ كه اين خط را بدین شكل شرح مي‌دهد. «در درياچه كيوو: مرز خطي است كه روي نقشه شماره يك ترسيم شده و ضميمه مي‌باشد. اين خط از رودخانه روسيزي (Russisi) يا روزي زي (Ruzizi) شروع و در شمال

ما در اینجا در مقابل تحدید حدودی با یک خط هستیم که بدون اینکه خط میانی باشد، آبهای دریاچه را میان دو دولت ساحلی تقسیم می‌کند. موافقتنامه ۱۹۱۰ صحبتی از خط میانی نمی‌کند اما اشعار می‌دارد که محل تلاقی آن خط با خشکی در شمال دریاچه نقطه‌ای است که از دو پست ساحلی به یک فاصله می‌باشد. در عمل، مرز از میان جزایر و ساحل عبور می‌کند یا فقط از میان جزایر می‌گذرد بدون اینکه در کل یک خط میانی باشد.

### ۵-۳-۳- دریاچه تانگانیکا\*

دریاچه تانگانیکا با ۳۴۰۰۰ کیلومترمربع مساحت به شکل کشیده فیما بین زئیر در غرب، تانزانیا در شرق، بروندي در شمال شرقی و زامبیا در جنوب قرار گرفته است (نقشه شماره ۱۷). طولانی‌ترین

---

در نقطه‌ای در روی ساحل عمود بر گوما (Goma) خاتمه می‌یابد. . . . . و کیسگ نیز (Kissegnies) یا جیزنی (Gisenyi) . . . در غرب این خط به‌خصوص جزایر ایوینزا (Iwinza)، نیامارونگا (Nymaronga) یا نیامارانگا (Nymaranga)، کویجوی (Kwidjwi) (جزیره ایجوی Idjwi) و کیتایا (Kitaya)، که متعلق به بلژیک هستند قرار دارند، جزایر کیکا یا (Kikaya)، گومبو (Gombo)، کومنی (Kumenie) و وو (wau) یا واهو (Wahu) در شرق این خط قرار گرفته و از آن آلمان می‌باشند.

\*. Le Lac Tanganyika.

مرز در دریاچه‌های... ❖ ۱۰۳

مرز در این دریاچه فیما بین زئیر و تانزانیا قرار گرفته که دو دولت مقابل هم می‌باشند. این مرز یک خط میانی است که برای اولین بار در بخشنامه‌ای که در سال ۱۸۵۵ از سوی مسئول وزارت امور خارجه دولت مستقل کنگو منتشر گردید درج شده است. این بخشنامه حاوی این کلمات است «خط میانی در دریاچه تانگانیکا: یک خط مستقیمی است که از دریاچه تانگانیکا تا دریاچه مویرو (Moëro) در عرض جنوبی ۳۰° ۸ کشیده شده است».<sup>۸۸</sup>

این مرز در معاهدات و اعلامیه‌های بعدی نیز مورد تأیید قرار گرفته است: که از جمله می‌توان از موافقتنامه اول ژوئیه ۱۸۹۰ منعقد فیما بین بریتانیا و آلمان در مورد متصرفات هریک در افریقای شرقی و در جزیره هلگولند<sup>۸۹</sup> موافقتنامه ۱۲ مه ۱۸۹۴ فیما بین بریتانیا و لئوپلد دوم، پادشاه دولت مستقل کنگو<sup>۹۰</sup> و اعلامیه ۲۸ دسامبر ۱۹۸۴ در مورد بی‌طرفی دولت مستقل کنگو<sup>۹۱</sup> نام برد. این خط

---

Hertslet, op.cit., vol. II, p. 578.

۸۸. ر.ش.

NRG, 2e série, vol. 16, p.894.

ماده ۱ بند ۳، در

۸۹. ر.ش.

Herstlet, op.cit., vol. II, p. 578.

۹۰. ر.ش.

Ibid, p. 557.

۹۱. ر.ش.

مرزي در پروتکل ۵ اوت ۱۹۲۴ هم که  
فیمابین بریتانیا و بلژیک برای تعیین  
مرز در شمال دریاچه فیمابین سرزمین  
تانگانیکا و روآندا – اوروندي (Ruanda-  
Urundi) منعقد شده است مورد تأیید قرار  
گرفته است. بعد از جنگ اول جهانی،  
سرزمین آلمانی روآندا – اوروندي از  
سرزمین آلمانی تانگانیکا جدا و تحت  
نماینده بلژیک درآمد و سرزمین  
تانگانیکا نیز به نام «تانگانیکا  
تریوری» (Tanganyika Territory) نیز به  
نماینده بریتانیا درآمد. پروتکل ۵ اوت  
۱۹۲۴ در ماده ۵ خود مرز را در شمال  
دریاچه تانگانیکا به شرح زیر مشخص  
می‌کند:

« (مرز در شمال) آبهای دریاچه  
تانگانیکا یک خط موازی است که از ساحل  
شماره یک شروع و تا برخورد با خط میانی  
شمال – جنوب دریاچه تانگانیکا ادامه  
دارد. ۹۲»

به نظر می‌رسد که مرز در جنوب  
دریاچه، فیمابین زئیر، زامبیا و

۹۲. رش.

P. Jentgen, Les frontières du Ruanda-Urundi et le régime international de tutelle (Bruxelles, 1957), p. 16.

مرز در دریاچه‌های... ❖ ۱۰۵

تانزانیا چندان مشخص نیست. نامشخص بودن مرز در این قسمت از این امر ناشی می‌شود که کنوانسیون ۱۲ مه ۱۸۹۴ منعقدہ فیما بین بریتانیا و کنگو و همچنین اعلامیه ۲۸ دسامبر همان سال در مورد بی‌طرفی کنگو، مندرج در فوق، مرز میان کنگو و متصرفات بریتانیا را با خطی مشخص کرده‌اند که از دریاچه مویرو، در جایی‌که رودخانه لوآپولا (Luapula) از این دریاچه خارج می‌شود، شروع و تا دماغه آکالونگا (Akalunga) واقع در شمالی‌ترین نقطه خور کامرون در تقریباً عرض جنوبی ۸ ۶۵ در دریاچه تانگانیکا، ادامه دارد. پس از آن تعیین دقیق محل این دماغه غیرممکن گردید،<sup>۹۳</sup> و به همین دلیل مسئله مرز فیما بین زئیر و زامبیا همچنان لاینحل مانده است. مع‌هذا به‌نظر نمی‌رسد که این وضعیت خالق اختلافات دقیقی باشد.

ما در اینجا شاهد مرزی هستیم که قسمت اعظمش، یعنی مرز میان دو دولت مقابل، براساس خط میانی ترسیم شده است. مرز در میان دولتهای مجاور (بروندی و

---

Mc Eween, op.cit., p. 167.

۹۳. رش.

تانزانیا در شمال، زئیر و زامبیا در جنوب) از دو خط افقی تشکیل شده است که خط میانی را به ساحل دریاچه متصل می‌کنند؛ که یکی در شمال براساس معیارهای نجومی ترسیم شده است، در حالی‌که در جنوب با استفاده از یک نقطه جغرافیایی نه چندان مشخص (یعنی دماغه آکالونگا)، که سعی شده با استفاده از عرض جنوبی ۱۵° ۸' تا حدودی مشخص گردد، کشیده شده است. این دو خط، در هر دو حالت، خطوط مستقیمی هستند که نه براساس روش متساوی‌الفاصله بودن و نه حتی عمود بودن بر خط میانی ترسیم شده‌اند؛ این وضعیت به ما امکان می‌دهد چنین نتیجه‌گیری کنیم که کلیه مرزها در دریاچه تانگانیکا براساس خط میانی ترسیم نشده‌اند.

### ۳-۳-۶- دریاچه مویرو\*

دریاچه مویرو با ۴۹۲۰ کیلومترمربع مرز فیما بین زئیر و زامبیا را تشکیل می‌دهد. مسئول امور خارجه دولت مستقل کنگو در ۱۸۸۵ به قدرتهای امضاکننده سند

---

\*. Le Lac Moïro.

برلن يك اعلاميه بيطرفي ارسال نمود. اين اعلاميه مرزهاي دولت جديد را مشخص مي‌کرد و در آن «خط مياني درياچه موييرو» درج شده بود. در عوض، اعلاميه هيچ اشاره‌اي به جزاير واقع در اين درياچه نکرده بود.<sup>۹۴</sup> در ۱۲ مه ۱۸۹۴ بریتانیا و بلژیک (که به نام دولت مستقل کنگو عمل مي‌کرد) معاهده‌اي را در بروکسل براي تعيين مناطق نفوذ خود در افريقاي شرقي و افريقاي مرکزي منعقد کردند. ماده ۱، و بند ب اين معاهده اشعار مي‌دارد: «خط مستقيماً به سوي نقطه ورودی رودخانه (لوآپولا) به درياچه کشيده خواهد شد. اما بعد به سوي جنوب درياچه منحرف مي‌شود به طوري که جزيره کيلوا (Kilwa) از آن بریتانیا گردد.<sup>۹۵ ۹۶</sup> اين متن کلمه به کلمه در اعلاميه تکميلي بيطرفي صادره از سوي دولت مستقل کنگو در ۱۸ دسامبر ۱۸۹۴ درج شده است.<sup>۹۷</sup> مع هذا عبارت «نقطه ورودی رودخانه

---

۹۴. رش. P. Jentgen, Les frontières du Congo Belge (Bruxelles, 1952), p. 15.

۹۵. رش. NRG, 2e série, vol. 20, p. 805.

۹۶. براي ادعاهاي بلژیک در مورد اين جزيره رش. Pondaven, op.cit., n. 6, p. 105.

۹۷. رش. Jentgen, op.cit., n. 94, p. 16



لوآپولا به دریاچه» به علت مشکل بودن تعیین دقیق این نقطه، مشکلاتی ایجاد کرد. مسئله برای بلژیک به دلیل قرار داشتن یک پست کنگویی در پوتو (Pweto) از اهمیت برخوردار بود: برحسب این که نقطه ورودی رودخانه در شمال غربی یا در شمال شرقی دریاچه قرار گیرد، آن پست می‌تواند یا نمی‌تواند به دریاچه دسترسی داشته باشد.<sup>۹۸</sup> به نظر می‌رسد که کمیسیونهای تحدید حدودی که تشکیل شدند نتوانستند این مشکل را به صورت قطعی حل کنند.<sup>۹۹</sup> مع ذلك یک ترتیبات موقتی دسترسی به دریاچه را در محل پوتو تضمین کرد.<sup>۱۰۰</sup> بدین ترتیب می‌توانیم مشاهده کنیم که مرز در دریاچه مویرو با استفاده از روش خط میانی و با لحاظ نمودن جزایر واقع در دریاچه به خصوص جزیره کیلوا، ترسیم شده است. در این محل خط میانی از میان ساحل چپ دریاچه و ساحل غربی جزیره عبور می‌کند.

### ۷-۳-۳- دریاچه هالای یا دریاچه قدیمی

۹۸. رش. Pondaven, op.cit., n 6, p. 102

۹۹. رش. Jentgen, op.cit., n. 94, p. 90

۱۰۰. رش. Ibid

## نیاسا\*

دریاچه هالای با مساحت ۳۰۵۰۰ کیلومتر مربع و به شکل کشیده مرز میان مالای (که در قدیم به نام نیاسالند Nyssaland و تحت نمایندگی بریتانیا بود) واقع در غرب و جنوب دریاچه، و موزامبیک (سرزمینی که سابقاً متعلق به پرتغال بود) واقع در شرق دریاچه و تانزانیا (در قدیم تانگانیکا و جزو قلمرو آلمان محسوب می‌شد و پس از شکست آلمان در جنگ اول جهانی به‌عنوان سرزمین تحت نمایندگی و سپس تحت قیمومت بریتانیا درآمد) واقع در شمال شرقی دریاچه را تشکیل می‌دهد (نقشه شماره ۱۹). بریتانیا، از طریق معاهدات و اعلامیه‌های متعددی که فیما بین سالهای ۱۸۸۶ تا ۱۸۹۱ منعقد یا صادر شده بودند موفق شد حاکمیت خود را بر کل آبهای دریاچه نیاسا اعمال کند.<sup>۱۱</sup> بنابراین در

---

\* Le Lac Malawi, anciennement Lac Nyassa.

۱۰۱. منظور اعلامیه کمیسیون مورخ ۳۰ دسامبر ۱۸۸۶ میان آلمان و پرتغال می‌باشد رش. Herstlet, vol. III, p. 99. رش موافقتنامه ۱۱ ژوئن ۱۸۹۱ منعقد و فیما بین بریتانیا پرتغال در NRG, 2e série, vol. III, 18, p. 185. ماده اول موافقتنامه ۱۸۹۱ اشعار می‌دارد «بریتانیا سرزمینهای واقع در حدود زیر را به‌عنوان متصرفات پرتغال در افریقای شرقی شناسایی و می‌پذیرد:

این حالت مرز در ساحل و به نفع انحصاری بریتانیا تعیین شده بود و دو قدرت دیگر منطقه یعنی آلمان و پرتغال از دسترسی به دریاچه محروم بودند.<sup>۱۰۲</sup> این وضعیت، که به خصوص مورد اعتراض پرتغال بود، تا سال ۱۹۵۴ ادامه یافت، یعنی تا زمانی که بریتانیا، برای صدور مجوز بهره‌برداری مشترک<sup>۱۰۳</sup> با جابجایی مرز میان نیاسالند و موازمبیک به وسط دریاچه موافقت نمود. دو کشور پرتغال و بریتانیا با انعقاد موافقتنامه‌ای در ۱۸ نوامبر ۱۹۵۴ به شکل زیر توافق نمودند:

«مرز در دریاچه نیاسا به‌طور مستقیم به سوی غرب از نقطه‌ای که مرز موازمبیک

---

۱. در شمال، خطی است که در طول ساحل رودخانه رو ووما (Rovuma) از مصب آغاز و تا تلاقی آن با رودخانه ام سینیج (M' Sinje) ادامه دارد، سپس با پیگیری یک خط موازی واقع در آن نقطه تلاقی به سوی غرب رفته و تا رسیدن به ساحل دریاچه نیاسا ادامه می‌یابد.

۲. در غرب، خطی است که منشأ آن در مرز دریاچه‌ای پیشگفته یافت می‌شود و تا خط موازی ۳۰° ۱۳ عرض جنوبی ادامه می‌یابد، سپس با طی ساحل شرقی به سوی دریاچه تداوم می‌یابد. مرز از این نقطه، جهت جنوب شرقی را به سوی ساحل شرقی دریاچه شی اووتا (Chiuta) در پیش می‌گیرد و ادامه می‌یابد.

۱۰۲. آلمان بعد از پایان جنگ اول جهانی از گروه کشورهای استعمارگر حذف شد و انگلستان جانشین آن شد که به‌عنوان نماینده در سرزمین تانگانیکا عمل می‌کرد.

۱۰۳. رش. Pondaven, op.cit., n° 6 p. 66, n. 151.

و تانگانیکا به ساحل دریاچه می‌رسد شروع و تا خط میانی آبهای این دریاچه ادامه دارد. سپس این خط را پی‌گرفته تا نقطه تلاقی‌اش با خط موازی جغرافیایی که علامت ۱۷ مندرج در یادداشت مورخ ۶ مه ۱۹۲۰ روی آن است ادامه می‌یابد و مرز جنوبی را تشکیل می‌دهد».<sup>۱۰۴</sup>

بنابراین در مورد مرزی که نیاسالند (که به مالایو تغییر نام داده و سبب تغییر نام دریاچه هم شد) را از موازمبیک جدا می‌کند خط میانی مورد استفاده قرار گرفته است. مع‌هذا برخی جزایر واقع در دریاچه مشکلاتی را ایجاد نمودند، که از آن جمله می‌توان از جزیره چیسامولو (Chisamulo) و جزایر لیکوما (Likoma) و لاندو (Lundu)، پاپیا (Papia) و انگکویو (Ngkuyo) واقع در نزدیکی سواحل دریاچه نام برد. مسئله حاکمیت بر این جزایر با موافقتنامه منعقد فیما بین پرتغال و بریتانیا در ۳۱ مه تا ۵ ژوئن ۱۸۹۳ حل گردید؛ بدین‌ترتیب که چیسامولو و لیکوما در منطقه نفوذ بریتانیا قرار

---

۱۰۴. رش. اول ماده اول، بند یک در Nations Unies, Recueil des Traités. Vol. 325, p. 320.

گرفتند. ۱۰۵

موافقتنامه ۱۹۵۴ بدون توجه به جزایر از خط میانی استفاده کرده است. اگر این جزایر لحاظ می‌شدند، خط میانی می‌بایست از میان آنها و ساحل شرقی دریاچه عبور کند که این راه حل بسیار به ضرر پرتغال و بعد موزامبیک بود. سرانجام مشکل توانست به شکلی بدیع و به نفع دو طرف به شرح زیر حل گردد:

«دولت انگلستان از جمله حق دسترسی ببقید و شرط به این جزایر را خط خواهد کرد. دولت بریتانیا همچنین حاکمیت خود را بر یک منطقه آبی به عرض ۲ مایل در اطراف هر یک از این جزایر اعمال می‌نماید؛ مع ذلك آنجایی که فاصله میان لیکوما، خشکی از ۴ مایل کمتر است، آنها به طور مساوی فیما بین دو دولت تقسیم می‌شوند». ۱۰۶

مرزی که اینچنین فیما بین قدرتهای استعماری تعیین شده بود هنوز هم

---

۱۰۵. رش. به موافقتنامه ۳۱ مه تا ۵ ژوئن ۱۸۹۳ فیما بین بریتانیا و پرتغال در مورد قلمروهای نفوذ در شمال زامبزی (Zambèze).

Great Britain Treaty Series, Vol. I (1892-1896), n<sup>o</sup> 10, article 4.

۱۰۶. رش.

Nations Unies, Recueil des Traités. Vol. 325, p. 320.

مرز در دریاچه‌های... ❖ ۱۱۳

فیما بین دولتهای جانشین یعنی مالای و موزامبیک اعتبار دارد و در حال حاضر جزایر چیسالومو و لیکوما از آن مالای هستند. چنین وضعی در مورد مرز میان مالای و تانزانیا نیز حاکم است. این مرز، که در ساحل قرار گرفته و تانزانیا را از دسترسی به دریاچه محروم نموده است، به شدت مورد اعتراض این کشور است. تانزانیا خواهان تعیین مرزی براساس خط میانی در دریاچه می باشد. تانزانیا معتقد است که براساس یک قاعده حقوق بین الملل عرفی مرز در دریاچه ها باید با استفاده از خط میانی تعیین شود و بدین ترتیب تحدید حدودی را که در حال حاضر وجود دارد خلاف این قاعده می داند.<sup>۱۰۷</sup> مالای به سهم خود، مرزهای مندرج در معاهدات سابق تحدید حدود را مطرح می کند و نظر تانزانیا را رد می نماید. تا آنجا که می دانیم این اختلاف هنوز به یک محکمه بین المللی ارجاع نشده است.

#### ۴-۳- دریاهای امریکای لاتین

۱۰۷. در وضعیت حقوق عرفی رش به همین مقاله.

۱۱۴ ❖ مجله حقوقی / شماره بیست و دوم

### ۱-۲-۳- دریاچه تی تی کاکا\*

دریاچه تی تی کاکا با مساحت ۸۱۰۰ کیلومتر مربع توسط شبه جزیره کوپاکانابا، (Copacanana) به دو قسمت نابرابر تقسیم شده که از طریق تنگه تیکینا (Tiquina) به یکدیگر متصل می‌باشند؛ بخش شمالی به‌طور اخص از دریاچه تی تی کاکا تشکیل شده که بیشترین آب را دربردارد، و قسمت جنوبی از دریاچه وینامارکا (Vinamarca) تشکیل شده است (نقشه شماره ۲۰). اولین تلاش برای تحدید حدود به سال ۱۸۲۶ در دوران دسترسی بولیوی به استقلال باز می‌گردد. بولیوی در آن موقع به پرو پیشنهاد معاهده‌ای را کرد که ماده ۲ آن پیش‌بینی می‌کرد. که پرو بر شهر و سرزمین شبه‌جزیره کوپاکانابا و همچنین بر دریاچه تی تی کاکا در شمال با کلیه جزایر موجود در آن قسمت اعمال حاکمیت نماید، بولیوی هم، براساس همین معاهده دریاچه و نیامارکا با کلیه جزایرش را برای خود حفظ نماید، کشتیرانی و صید در آبهای دو دریاچه برای هر دو جمهوری

---

\* . Le lac Titicaca ، این دریاچه بین پرو و بولیوی قرار دارد.

آزاد و مشترك باشد.<sup>۱۰۸</sup> معاهده مزبور هرگز لازم الاجرا نشد؛ پرو از تصویب آن خودداری نمود زیرا که آن معاهده هیچگونه حق دسترسی به دریاچه و نیامارکا برای پرو پیشبینی نکرده بود.<sup>۱۰۹</sup>

پس يك قرن تنش و اختلافات مرزي میان دو کشور، سرانجام پروتکلی در ۲ ژوئن ۱۹۲۵ در لاپاز (Lapaz) به تصویب رسید.<sup>۱۱۰</sup> این پروتکل يك کمیسیون مختلط برای تعیین مرز ایجاد نمود. این کمیسیون صورتجلسه کارهای خود را در ۱۹ دسامبر ۱۹۲۹ به دو کشور ارائه نمود. این صورتجلسه در دومین پروتکل لاپاز در ۱۵ فوریه ۱۹۳۲ مورد تأیید طرفین قرار گرفت. این پروتکل خط میانی را به عنوان حد در روي كل دریاچه (تي تي کاکا و نیامارکا) تعیین نمود. این خط میانی جزایر نزدیک به حد را لحاظ مینماید. نقاط تشکیلدهنده این خط از طریق روش

---

۱۰۸. رش.

به معاهده ۱۸ دسامبر ۱۸۲۶ در NRG, 2e Série, Vol. 15, p. 770

۱۰۹. رش.

Ireland, Boundaries, possessions and Conflicts in South America (Cambridges, Mass: Harvard university press, 1938), p. 97.

110. Ibid., p. 108., NGR, 3e série, Vol. 23, p. 534.



نجومی تعیین شده اند. ۱۱۱

### ۲-۴-۳- دریاچه (لاگون) مِریم\*

این دریاچه مرز کنونی فیما بین برزیل و اورگوئه را تشکیل می‌دهد (نقشه شماره ۲۱). اسپانیا و پرتغال بر سر دریاچه مِریم و منطقه آن در دوران استعمار امریکای لاتین اختلافات زیادی داشتند. این دو کشور با انعقاد معاهده سان ایلدفونسو (San Ildefonso) در اول اکتبر ۱۷۷۷ به شرح زیر توافق کردند:

... کشتیرانی و ورود (به دریاچه) به‌طور کامل و انحصاری متعلق به پرتغال خواهند بود و سرزمین پرتغال از ساحل جنوبی تا جریان آبی توهیم (Tohim) ادامه دارد و سپس از آنجا به‌شکل خط مستقیم در طول گودال مانگرا (Mangueira) تا دریا تداوم می‌یابد: و در خشکی این خط از ساحل گودال مِریم جهت اولین جریان آبی جنوبی را که در آنجا به مصبش می‌ریزد پی می‌گیرد، و در

---

۱۱۱. پروتکل تصویب‌کننده تحدید حدود دومین بخش از مرز (شبه جزیره کوپاکانابا) به زبان اسپانیولی در:

Tratados, convenciones Y Acuerdos vigentes entre el Peru Y otros Estados, Vol. I: Instrumentos Bilaterales (Lima: Ministerio de Relaciones exteriores del peru, 1936), p. 125.

\*. La Lac (Lagune) Mirim.

نزدیکی بندر پرتغالی سن - گونزالس (St-Gonzales) به سوي پايين متمایل می‌شود.<sup>۱۱۲</sup>  
بنابراین شاهد تعیین حد در ساحل می‌باشیم که ابتدا پرتغال به ضرر اسپانیا و بعد برزیل به ضرر اروگوئه از آن بهره‌مند می‌شوند. این تحدید حدود در معاهده ۱۲ اکتبر ۱۸۵۱ منعقد فیما بین برزیل و اروگوئه در ریودو ژانیرو نیز مورد تأیید قرار گرفت؛ ماده ۲ این معاهده اصل «احترام به مرزها در زمان دسترسی به استقلال\*\*» را به‌عنوان مبنا برای حل مشکلات مرزی میان دو کشور پذیرفته است.<sup>۱۱۳</sup>

این وضعیت تا سال ۱۹۰۹ ادامه دارد. برزیل، در این زمان، برای رعایت حسن همجواری از مصب رودخانه سان میگوئل (San Miguel) تا مصب رودخانه یاگوآرون (Yaguaron) را با معاهده‌ای به اروگوئه واگذار نمود، بخش لاگون می‌ریم واقع فیما بین ساحل غربی و مرز جدید که، طبق ماده ۳ معاهده ۱۹۰۹، باید به صورت طولی از آبهای لاگون عبور

---

CTS, Vol. 46 (1775-1778), p. 361

۱۱۲. رش.

\*\* Le Principe de Uti Possidetis.

CTS, Vol. 106 (1851) p. 350

۱۱۳. رش.

کند. همین ماده ۳ مرز را به صورت خطی توصیف می‌کند که آبراه قابل کشتیرانی را پی‌می‌گیرد، و به همین دلیل، نه یک خط مستقیم بلکه یک خط شکسته می‌باشد.<sup>۱۱۴</sup> این خط جزایر متعلق به هر یک از دولتهای ساحلی را دور می‌زند؛ این خط جزیر واقع در شرقی‌ترین بخش و دو جزیر کوچک را از آن برزیل کرده، سپس به سوی عمیق‌ترین آبراه واقع در طرف اروگوئه می‌رود. این یکی از نادرترین مواردی است که خط قابل کشتیرانی (خط‌القعر یا تالوگ) در یک دریاچه بین‌المللی وجود دارد و مرز هم این خط را پی‌می‌گیرد.<sup>۱۱۵</sup>

### ۵-۳- دریاچه آسیایی: دریاچه تی‌بریاد\*

دریاچه تی‌بریاد، در سرحد سوریه و اسرائیل قرار گرفته و به‌طور کامل در خاک اسرائیل واقع است (نقشه شماره ۲۲). دو کشور با انعقاد کنوانسیون ترک مخاصمات عمومی در ساحل ۲۳۲ در نزدیکی ماهانایم (Mahanayim) در ۲۰ ژوئیه ۱۹۴۹

۱۱۴. رش. NRG, 3e série, Vol. 6, p. 858

Nations Unies, Recueil des Traités, Vol. 42, p. 329

۱۱۵. رش.

\*. Le Lac Tibériade.

با ترسیم يك خط تعیین‌کننده محل ترك  
مخاصمات موافقت کردند که هدف اصلي آن  
«ترسیم خطي است که در ماوراي آن  
نیروهاي مسلح طرفین نباید جابجا  
شوند.<sup>۱۱۶</sup> مع هذا این کنوانسیون اعلام  
می‌دارد که «ترتیبات مربوطه خط  
تعیین‌کننده محل ترك مخاصمات فیما بین  
نیروهاي مسلح سوریه و اسرائیل و منطقه  
غیرنظامی نباید به‌گونه‌ای تفسیر گردد که  
با ترتیبات نهایی مربوط به سرزمین هریک  
از طرفین متعاهد این کنوانسیون ارتباطی  
دارد».<sup>۱۱۷</sup>

و «این‌که مقررات این کنوانسیون  
منحصراً براساس ملاحظات نظامی و نه  
سیاسی. تنظیم شده‌اند».<sup>۱۱۸</sup>

این خط تحدید حدود که در ضمیمه  
شماره يك کنوانسیون مشخص شده است، با  
مرز بین‌المللی که براساس موافقتنامه ۷  
مارس ۱۹۲۳ منعقد فیما بین فرانسه و  
بریتانیا در مورد مرز میان مدیترانه و  
ألهمه (El-Hammé) ترسیم شده است تلاقی

---

۱۱۶. رش. ماده ۴، بند ۲.

۱۱۷. رش. ماده ۵، بند ۱.

۱۱۸. رش. ماده ۲، بند ب.

دارد.<sup>۱۱۹</sup> مرز خطی است به فاصله ده متری ساحل شرقی دریاچه تی بریاد که از دلتای رود اردن آغاز و تا پست خ الهاما (Kh, AL-Hamma) ادامه دارد. مرز از آن نقطه، از ساحل دریاچه دور می‌شود. بدین ترتیب کل آبهای دریاچه در تحت حاکمیت اسرائیل باقی می‌ماند چون‌که، آنجایی هم که مرز در ساحل دریاچه امتداد دارد، یک نوار ده متری آن را از آبها جدا می‌کند.

بدیهی است که این وضعیت به ضرر سوریه می‌باشد، به همین دلیل هم این کشور فوراً پس از انعقاد کنوانسیون ترک مخصوصه، و تلاش کرد حضور خود را در آبهای مجاور دریاچه تثبیت کند.<sup>۱۲۰</sup> سوریه، از لحاظ حقوقی، این مطلب را مطرح می‌کند که، به‌عنوان یک دولت بالفعل ساحلی دریاچه (تی بریاد) حق دسترسی به آبهای مجاور را دارد (که باید براساس خط تقسیم آب و نه

---

۱۱۹. رش. Société des Nations, Recueil des Traités, Vol. 27, p. 365.

۱۲۰. برای مثال در ۱۹۵۴، در فرمان مکتوبی از رئیس ستاد ارتش سوریه، صحبت از «آبهای سرزمینی» سوریه شده است که تا فاصله ۲۵۰ متری ساحل ادامه دارد. برای مورد دیگر و همچنین برای شناخت تاریخچه کامل برخوردهایی که میان دو دولت پس از سال ۱۹۴۹ رخ داده‌اند رش.

No Bar-yaakov, The Israel-Syiran Amistice: Problems of implementation, 1949-1966 (Jerusalem: The Magness press 1967), pp. 214-242.

حد ساحلي تحديد حدود شوند) و خط تحديد حدودي که در سال ۱۹۴۹ تصويب شده است مسئله حاکميت و بنا بر اين مسئله مرز سياسي در درياچه را حل نکرده است. اسرائيل از سوي ديگر، با تکیه بر مقررات صريح کنوانسيون ترک مخاصمه معتقد است که تصويب خط تحديد حدود و اينکه طرفين آن کنوانسيون نمي‌توانند نيروهاي مسلح خود را در وراي اين خط جابجا نمايند حاکمي از آن است که حد حاکميت سرزمين مشخص شده است.

رويه بعدي طرفين انعکاسي از ادعاها و نظرات طرفين است. از يك طرف، سوريه تلاش مي‌کند تا حضور خود را در درياچه نشان دهد، و از طرف ديگر، اسرائيل هرگونه تلاش همسايه خود را براي انجام اعمالی که منجر به پيدایش نوعي حاکميت براي آن شود عقيم مي‌گذارد. اسرائيل، در عمل، به صيادان سوري اجازه صيد در آبهاي مجاور ساحل شمال - شرقي درياچه را داده است، اما به شرطي که آنان مجوزهاي ويژه‌اي از مقامات اسرائيلي دريافت دارند. سوريه نيز به سهم خود مدعي است که، با توجه به تقسيم حاکميت در درياچه، اين مجوزها

باید به وسیله کمیسیون مختلط ترك مخاصمه، که رکن مسئول سازمان ملل متحد برای نظارت بر اجرای کنوانسیون ترك مخاصمه است، صادر شوند.<sup>۱۲۱</sup> برخوردهایی که از بعد از امضا این کنوانسیون رخ داده اند ثابت می‌کنند که طرفین همچنان بر مواضع خود پافشاری کرده و مسئله لاینحل باقی‌مانده است.

#### ۴

### حقوق عرفی در قلمرو تحدید حدود دریاچه‌ها

#### ۱-۴- رویه دولتها در قلمرو تحدید حدود دریاچه‌ها

##### ۱-۱-۴- خط مقسم:

بررسی رویه دولتها، که در بخش سوم این مقاله مورد بررسی قرار گرفت، دستیابی به دو نتیجه را برای ما ممکن می‌کند.

I. رویه تقریباً متحدالشکلی در مورد

---

۱۲۱. رش. Ibid., p. 225

لزوم تقسیم آبها وجود دارد.<sup>۱۲۲</sup> روش حد ساحلی، که نشان از اشتهای قدرتهای استعماری در افریقا دارد. متروک شده است. مع هذا، باید خاطرنشان کنیم که اگر متروک شدن این روش، حداقل در افریقا، در آخرین سالهای دوران استعمار اعلام گردید،<sup>۱۲۳</sup> اما در امریکای لاتین، حد ساحلی در دریاچه می‌ریم تا بعد از دسترسی دو دولت ساحلی به استقلال از میان نرفت.<sup>۱۲۴</sup> همچنین باید خاطرنشان نمود که دولتهای افریقایی تازه استقلال یافته به صراحت مرزهای قبلی را پذیرفته و با تصویب قطعنامه‌ای از سوی سازمان وحدت افریقا در ۱۹۶۴ آن را اعلام نمودند.<sup>۱۲۵</sup>

**II.** اگر رویه بررسی شده در مورد لزوم تقسیم آبها میان دولتهای ساحلی متحدالشکل می‌باشد، برعکس این رویه

---

۱۲۲. به جز در مورد دریاچه مالای و دریاچه تی بریاد که هنوز هم علی‌رغم اعتراض تانزانیا و سوریه حد ساحلی پابرجاست.

۱۲۳. برای مثال رجوع شود به بخشی از دریاچه مالای، دریاچه‌های آلبرت و ادوارد و دریاچه کیوو.

۱۲۴. رش. همین مقاله.

۱۲۵. رش. سازمان وحدت افریقا A. H. G/Res. 17 (I) du 21 Juillet 1964



در خصوص روش تقسیم یکسان نمی‌باشد. ما عملاً نشان دادیم که روشهای تحدید حدود برحسب دریاچه‌ها، شکل آنها، وضعیت جغرافیایی‌شان و غیره متفاوتند. مرز گاهی با استفاده از خطوط مستقیم و زمانی با بهره‌گیری از حدود نجومی و حتی، برخی اوقات با کاربرد خط‌القعر (Thalweg) دریاچه، به فرض وجود آن، تعیین می‌شود. بالاخره مواردی مشاهده می‌شوند که تحدید حدود با استفاده از روش خط میانی انجام شده است. اما این موارد کم هستند و، همانطور که گفتیم، روشهای دیگری هم مورد استفاده قرار گرفته‌اند. به‌علاوه، به‌ندرت می‌توان شاهد استفاده از خط میانی برای ترسیم کل مرز در یک دریاچه بود.<sup>۱۲۶</sup> اضافه کنیم در مواردی که هم که از خط میانی استفاده شده است، این خط اغلب، به دلایل عملی، یک خط میانی ساده یعنی خطی زاویه‌دار می‌باشد. بالاخره به این مطلب هم اشاره کنیم که خطوط جانبی که خط میانی را به سواحل دریاچه متصل می‌کنند با استفاده از روش منصف، از نقطه‌ای که مرز زمینی به ساحل متصل

---

۱۲۶. دریاچه‌های لمان و تانگانیکا و دریاچه‌های امریکای شمالی براساس روشهای متفاوت در قسمتهای مختلف مرز خود تحدید حدود شده‌اند.

می‌شود، ترسیم نمی‌شوند. این خطوط یا خطوط عادی مرسوم بر ساحل هستند یا خطوطی می‌باشند که با استفاده از معیارهای دیگر ترسیم شده‌اند.

حال باید به مشکلات ناشی از وجود جزایر برای تحدید حدود دریاچه‌ها توجه شود.

#### ۲-۱-۴- وجود جزایر در دریاچه‌های (مرزی)

I. مسئله حاکمیت بر جزایر: آنچه از بررسی ما برمی‌آید این است که عدم تعیین دقیق حاکمیت بر برخی از جزایر گاهی مشکلاتی برای تحدید حدود دریاچه‌ها ایجاد کرده است.<sup>۱۲۷</sup> زمانی که است، دبلیو بگس (S.W. Boggs) تئوری خط میانی را مطرح می‌کرد معتقد بود که می‌تواند مسئله جزایر دریاچه‌ای را به شکل زیر حل کند.<sup>۱۲۸</sup>

در اولین مرحله از عملیات تحدید حدود، باید از وجود جزایری که حاکمیت به‌طور دقیق بر آنها مشخص نشده یا مورد اعتراض است صرف‌نظر نمود. فقط باید سواحل دریاچه را برای تعیین نقاطی که

---

<sup>۱۲۷</sup>. مورد جزایر دریاچه‌های بزرگ امریکا یک نمونه آن است.

<sup>۱۲۸</sup>. رش. Boggs, op.cit., pp. 183-184

خط میانی باید میان آنها ترسیم شود لحاظ نمود خطی که با چنین روشی به دست می‌آید ممکن است برخی جزایر را به دو نیم کند و با برخی دیگر برخورد نکند. جزیره‌ای که با این خط برخورد نمی‌کند از آن دولتی است که این جزیره در سمت ساحل آن قرار دارد. جزیره‌ای هم که به دو نیم تقسیم شده است، متعلق به دولتی می‌شود که قسمت بیشتر جزیره در سمت ساحل آن قرار می‌گیرد.<sup>۱۲۹</sup>

در دومین مرحله از عملیات تحدید حدود، یک خط میانی دیگری ترسیم می‌شود، در این حالت نقاطی که این خط باید میان آنها ترسیم شود نه فقط در سواحل اصلی دریاچه، بلکه همچنین در خود جزایر هم انتخاب می‌شوند؛ بدین‌تریب مشکل تعلق این جزایر به دولتهای ساحلی حل می‌شود. نتیجه کاربرد چنین روشی، که با خط مرسوم در اولین مرحله متفاوت است، حد قطعی دریاچه را مشخص می‌نماید.

تئوری بگس انعکاس چندانی نداشت. نه خط میانی هندسی ایده‌آل او و نه روش ارائه شده برای تعیین حاکمیت بر جزایر

---

۱۲۹. رش. Ibid

واقع در نزدیکی خط میانی، مورد استفاده قرار نگرفتند. وانگهی، این تئوری حاکمیت دولتها را بر جزیره‌ای که خط میانی آن را به دو قسمت برابر تقسیم می‌کند مشخص نمی‌نماید. ما با بررسی رویه قراردادی، دیدیم که دولتها در عمل ترجیح می‌دهند که مسئله حاکمیت در جزایر دریاچه‌ای را قبل از تحدید حدود دریاچه‌ها حل کنند.<sup>۱۳۰</sup>

**II. مسئله موقعیت جغرافیایی جزایر دریاچه‌ای نسبت به خط تحدید حدود:** دولتها، پس از حل مسئله حاکمیت بر جزایر واقع در دریاچه‌ها، مجبورند در مورد یک روش تحدید حدود توافق نمایند. فرض کنیم که، برای مثال، آنها روش خط میانی یا روش خط میانی ساده، متشکل از خطوط مستقیمی که مجموعه آنها اثر اصلاحی بر تقسیم آبها دارند، را انتخاب کنند. در این حالت ممکن است جزایر واقع در دریاچه مشکلاتی ایجاد کنند؛ چونکه خط فرضی، به محض اینکه ترسیم شود، می‌تواند این جزایر را به دو نیم کند، در این

---

<sup>۱۳۰</sup>. برای نمونه رش به. معاهدات تحدید حدود مربوط به دریاچه پرسپا و دریاچه‌های چاد، ویکتوریا، کیوو و مویرو.

وضعیت دولت صاحب جزایر، بخشی از سرزمین خود را از دست می‌دهد. اما بررسی تحدید حدودهای قراردادهای به ما آموخت که، به استثنای وضعیت دریاچه چاد،<sup>۱۳۱</sup> دولتها همیشه از قبول خطی که جزایر را به دو نیم کند اجتناب کرده‌اند. از بارزترین نمونه‌های انحراف خط تحدید حدود برای دور زدن جزایر، مرزهای واقع در دریاچه‌های ویکتوریا و کیوو می‌باشند.<sup>۱۳۲</sup> مسئله زمانی پیچیده‌تر می‌شود که یک یا چندین جزیره متعلق به دولت «الف» در نزدیکی ساحل دولت «ب» واقع شوند. در این حالت روش خط میانی با توجه به جزایر منجر به خطی می‌شود که به مقدار زیادی از مسیر اصلی خود منحرف شده، و با عبور از میان جزایر و ساحل دولت «ب» این دولت را متضرر می‌کند (نقشه شماره ۲۳). چنین زیانی در دریاچه هالای می‌شاهده می‌شد که با انعقاد کنوانسیون در ۱۸ نوامبر ۱۹۵۴ فیما بین پرتغال و بریتانیا در مورد تحدید حدود این دریاچه جبران گردید.<sup>۱۳۳</sup> طرفین متعاقد با

---

۱۳۱. رش. همین مقاله.

۱۳۲. رش. همین مقاله.

۱۳۳. رش. همین مقاله.

ترسیم خط میانی بدون توجه به جزایر بریتانیایی واقع در نزدیکی ساحل پرتغال<sup>۱۳۴</sup> توافق کردند، مشروط بر اینکه هر یک از این جزایر دارای یک منطقه آبی به عرض دو مایل دریایی باشند.\* به علاوه، بریتانیا حق دسترسی بیشتری را به دو جزیره به دست آورد. بدین ترتیب، دو جزیره بریتانیایی در بخش پرتغالی دریاچه قرار گرفته است.<sup>۱۳۵</sup>

ملاحظات پیشین امکان این نتیجه‌گیری را می‌دهد که دولتهای ساحلی که با مشکل تحدید حدود دریاچه‌ای مواجهند و این تحدید حدود با وجود جزایر پیچیده شده است همیشه، به استثنای یک مورد، از خطوطی که جزایر را به دو نیم کنند اجتناب کرده‌اند. دولتها همیشه تلاش کرده‌اند که با تغییر مسیر این خطوط

---

۱۳۴. چیسامولو (Chisamulo) و لیکوما (Likoma).

\* هر مایل دریایی حدود ۱۸۵۲ متر است.

۱۳۵. یک راه‌حل مشابه در قلمرو حقوق دریاها در مورد جزایر آنگلونرماند (که به بریتانیا تعلق دارد و در طرفی از خط میانی قرار گرفته‌اند که نزدیک سواحل فرانسه می‌باشد) در هنگام تحدید حدود فلات قاره فیما بین دو دولت (فرانسه و انگلستان) اتخاذ شده است. رش. رأی دیوان داور فرانسه - بریتانیا در ۳۰ ژوئن ۱۹۷۷ در ژنو در مورد تحدید حدود فلات قاره. این رأی در La Documentation Française به چاپ رسیده است.

(خطوط تحدید حدود)، آنها جزایر را دور بزنند.<sup>۱۳۶</sup> در مورد جزایری که در طرف دیگر خط میانی قرار می‌گیرند (منظور جزایری است که متعلق به یک دولت ساحلی بوده و در نزدیکی سواحل دولت ساحلی دیگر قرار می‌گیرند)، فقط یک مورد (دریاچه هالای) وجود داشته است که متعلق به دولت دیگری می‌باشد. در سایر موارد خط تحدید حدود به شکلی منحرف شده است که جزیره متعلق به یک دولت در سمت همان دولت قرار می‌گیرد.

## ۲-۴- اعتقاد به الزامی بودن\*

### (دومین عنصر تشکیل‌دهنده عرف)

ما عملکرد قراردادی دولتها را، که تنها رویه موجود در قلمرو تحدید حدود دریاچه‌ای است مطالعه کردیم و مشاهده نمودیم که تنها اصل کلی بتوان از آن استخراج کرد اصل نوعی تقسیم آبهای دریاچه‌ای فیما بین دولتهای ساحلی است. در عوض، ما مجبور شدیم فکر مربوط به وجود یک رویه مستمر و متحدالشکل در مورد روش

---

۱۳۶. رش. Les frontières des Lacs Moëro, Huron, Supérieur, etc

\*. Opinio Juris sive necessitatis.

تقسیم را کنار بگذاریم و به‌خصوص این فکر را که این تقسیم باید براساس اصل خط میانی یا خط منصف انجام شود. تنها مسئله‌ای که برای بررسی ما باقی می‌ماند این است که آیا این رویه تقریباً یکسان تقسیم آبها به معنای آن است که يك قاعده عرفی از پیش موجود دولتهای ساحلی را مکلف به انعقاد معاهداتی در مورد تقسیم آبها کرده است یا اینکه این رویه، که ابتدا در معاهدات تحدید حدود وجود داشته، رفته رفته با يك اعتقاد به الزامی بودن (*Opinio Juris Sive necessitatis*) همراه شده و در نتیجه دو عنصر لازم برای تشکیل يك قاعده عرفی را ایجاد کرده‌اند که دولتها را مکلف به برقراری يك حد آبی می‌کند؟

۱-۲-۴- آیا رویه قراردادی دلیلی بر وجود يك عرف از پیش موجود می‌باشد؟

اگر دولتهای منعقدکننده معاهدات تحدید حدود دریاچه‌ای، همان‌گونه که دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه تحدید حدود فلات قاره دریای شمال



می‌گوید<sup>۱۳۷</sup> «بدین شکل عمل کرده اند زیرا از لحاظ حقوقی خود را مکلف به اجرای یک قاعده حقوق عرفی می‌دانستند» پس این معاهدات در واقع چیزی جز اجرای یک قاعده عرفی از پیش موجود نیستند. مع‌هذا، ما فکر نمی‌کنیم که چنین وضعی در مورد معاهداتی که در فوق مورد بررسی قرار گرفتند صادق باشد. اگر در مورد برخی دریاچه‌ها (از جمله دریاچه‌های بزرگ شمال امریکا - برخی دریاچه‌های اروپایی به‌خصوص سویسی و معدودی دریاچه‌های بزرگ امریکا - برخی دریاچه‌های اروپایی به‌خصوص سویسی و معدودی دریاچه‌های افریقایی) فکر تقسیم آبها به معاهدات مرزی قدیمی باز می‌گردد، برعکس، آب دیگر دریاچه‌ها موضوع اختلافات شدیدی فی‌مابین دولتهای ساحلی بوده است که هر یک از آنها می‌خواستند کل آبها را از آن خود کنند (از آن جمله است اکثریت دریاچه‌های افریقایی، دریاچه‌های بالکان، دریاچه‌های امریکای لاتین و حتی دریاچه‌های بزرگ امریکای شمالی که کلیه آنها در ابتدا

---

۱۳۷. رش.

Affaire du plateau continental de La mer du Nord (République fédérale d'Allemagne c/Danmark et Pays-Bas), arrêt du 20 Février 1969, CIJ, Recueil 1969, pp. 44-45, par. 78.

مرز در دریاچه‌های... ❖ ۱۳۳

مورد ادعای بریتانیا بودند).<sup>۱۳۸</sup> سرانجام بعد از مذاکرات مفصل و گاهی به کمک ظرافتهای دیپلماتیک و مبادلات سرزمینی (به خصوص در آفریقا) است که آب دریاچه‌ها فیما بین دولتهای ساحلی تقسیم شد؛ در واقع بیشتر ضرورتهای سیاسی و اقتصادی باعث شدند که دولتهای ساحلی آب دریاچه‌ها را فیما بین خود تقسیم کنند.

#### ۲-۲-۴- آیا رویه قراردادی تأثیری در شکل‌گیری یک قاعده عرفی داشته است؟

ما، در عوض، براین باوریم که یک قاعده عرفی به میزانی که رویه قراردادی تکرار می‌شود شکل می‌گیرد، چون که دولتها معاهدات از پیش موجود را همچون الگو انتخاب و به عنوان سوابقی به نفع نظریه تقسیم آبها اجرا می‌کنند. البته ممکن است اشکالی به این مسئله وارد باشد و آن اینکه اگرچه رویه مربوط به تعیین حد آبی یک رویه مستمر و متحدالشکل است اما دلیلی بر «اعتقاد به الزامی بودن» «آن، به عنوان عنصر معنوی ضروری برای تشکیل یک عرف، وجود ندارد. می‌توان اضافه کرد

---

۱۳۸. رش. 61 p. n<sup>o</sup> 6. op.cit., Pondaven

که رویه دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی و دیوان بین‌المللی دادگستری حاکی از سخت‌گیری این دو رکن در مورد عنصر معنوی عرف است.<sup>۱۳۹</sup> ما برای رد این دلایل همراه با شارل دو ویشر (Charles de Visscher) می‌گوییم که:

«عملکرد قضایی در جهت نشان دادن این امر است که گاهی در مورد اثبات وجود عنصر معنوی عرف اغراق می‌شود. آنچه که واقعیت دارد این است که عملکرد قضایی صراحتاً به عنصر معنوی اشاره نمی‌کند مگر در مورد وجود عنصر مادی تردید وجود داشته باشد. برعکس، زمانی که شکی در مورد وجود عنصر مادی در میان نیست، دیوان وجود عنصر معنوی را از آن نتیجه می‌گیرد، یک رویه منسجم به لحاظ استمرار اجرائیش در زمان به یک قاعده حقوقی تبدیل می‌شود».<sup>۱۴۰</sup>

به نظر می‌رسد که در مورد دریاچه‌های مرزی رویه مربوطه تعیین حد آبی به قدری

---

۱۳۹. رش.

Affaire de Lotus (France C/Turquie), arrêt t du 8 septembre 1927, CPJI, série A/B no 22, p. 28, et Affaire du Plateau continental de la mer du Nord, op.cit., p. 44, par 77.

۱۴۰. رش.

Ch. de Visscher, Théories et réalités en droit international Public, 4<sup>e</sup> é d, (Paris: Ed A. Pedone, 1970), p. 172.

روشن، متحدالشکل و مستمر است که بررسی دقیق در مورد وجود عنصر معنوی را بیهوده می‌نماید.<sup>۱۴۱</sup>

### ۳-۴- دکترین

ما از میان نقطه‌نظرات کلیه کسانی که در مورد تحدید حدود دریاچه‌های کار کرده‌اند اجتناب می‌کنیم و فقط به بیان برخی از مهمترین آنها اکتفا می‌نماییم. همانطور که ای دواتل می‌گوید: به‌طور کلی، نظر قاطعی که اکثر حقوقدانان دائر بر تقسیم آب دریاچه میان دو یا چند دولت ارائه نموده‌اند شگفت‌آور است. تقریرات پ. فوشی،<sup>۱۴۲</sup> جی - بلونچلی،<sup>۱۴۳</sup> پ. گوگنهایم<sup>۱۴۴</sup> و ش. روسو<sup>۱۴۵</sup> هم در همین جهت می‌باشند.

---

۱۴۱. رش.

E. de Vattel, Le droit des gens ou Principes de la loi naturelle (1754) (Washington, D.C: Dotation Carnegie pour la paix internationale, 1916), Vol. 1, p. 239.

۱۴۲. رش.

P. Fauchille, Traité de droit international Public, 8e éd (Paris): A Rousseau and Cie, 1925), 2e partie, T.I. no 519, p. 409.

۱۴۳. رش.

G. Bluntschli, Le droit international codifié (Paris, Guillaumin, 1895) article 316, p. 182.

۱۴۴. رش.

Guggenheim, Traité de droit international public, 1e éd, (Genève, Georg, 1953), T. I. p. 384.

۱۴۵. رش.

Ch. Rousseau "La condition internationale de la France" Cours de doctorat, paris, 1967-1968, p. 182 (Polycopié).

مع ذلك یادآوری این امر مناسب است که قدیمی‌ترین این نویسندگان (واتل، بلونچی) در زمانی مطالب خود را به رشته تحریر درآورده بودند که تعداد اندکی از دریاچه‌ها تحدید حدود شده بودند و سایر نویسندگان فوق هم به‌طور خاص مسئله تحدید حدود دریاچه‌ها و بالاخص رویه دولتها در این مورد را به‌طور دقیق مورد مطالعه و بررسی قرار نداده‌اند.

در عوض چنین وضعی در مورد آقای پ. پونداون<sup>۱۴۶</sup> که اخیراً کتابی تحت عنوان «دریاچه‌های - مرزی» نوشته است، صدق نمی‌کند. این نویسنده در جستجوی ایجاد مشابهتی میان تحدید حدود رودخانه‌ها و دریاچه‌های بین‌المللی است؛ به‌خصوص تلاش می‌کند که تفکیک میان رودخانه‌های مجاور و پی در پی را به مورد دریاچه‌ها نیز تسری دهد. رودخانه‌های مجاور به رودخانه‌هایی اطلاق می‌شوند که میان دو دولت با ساحل مقابل یکدیگر واقع می‌باشند. در این حالت حد به‌وسیله خط میانی رودخانه یا، اگر این رودخانه قابل کشتیرانی باشد، توسط خط‌القعرش، تعیین می‌شود. رودخانه‌های پی

---

۱۴۶. رش. Pondaven, op.cit., n. 6, pp. 75-76, 107-108

در پی جریانهای آبی هستند که از سرزمین چندین دولت عبور میکنند. در این حالت حد به وسیله خط مستقیمی که دو نقطه از مرز زمینی در ساحل رودخانه را به یکدیگر متصل میکند تعیین میشود (نقشه شماره ۲۴ دیده شود).<sup>۱۴۷</sup>

پونداون دریاچه‌های را مجاور میداند که:

«بیشتر به رودخانه‌ها شباهت دارند تا به دریاها؛ و آن به لحاظ موازی بودن سواحلشان است که بیشترین طولشان در روی مرز دولتهای ساحلی قرار می‌گیرد که حد اصلی آن را تشکیل می‌دهد.<sup>۱۴۸</sup>

او معتقد است که در چنین دریاچه‌هایی مرز همیشه با خط میانی خلط می‌شود، و زمانی که بیش از دو دولت ساحلی وجود داشته باشند، آنها به تناسب میان آنها تقسیم می‌شود، این تناسب هم با توجه به طول ساحل متعلق به هر دولت ساحلی تعیین می‌شود. دریاچه‌های «پی در پی» محسوب

---

۱۴۷. رش.

P. Sevette "Aspects Juridiques de l'aménagement hydroélectrique des fleuves et des Lacs d'intérêt commun" Nations Unies, Commission économique pour l'Europe, Comité de l'énergie électrique, Doc. E/ECE/136, E/ECE/EP/98/Rev. 1, p. 14 (1952).

۱۴۸. رش. Pondaven, op.cit., n. 6, p. 108

می‌شوند که «شکلشان با شکل دریاچه‌های مجاور یکی است اما مرز در آنها از دولتی به دولت دیگر در جهت عرض تعیین می‌شود.<sup>۱۴۹</sup> پونداون نتیجه می‌گیرد که در این حالت حد به‌طور بسیار ساده بخشی از مرز خشکی است و آن عبارت از خط مستقیم ساده‌ای است که دو نقطه مرز خشکی در سواحل دریاچه را به یکدیگر متصل می‌کند.<sup>۱۵۰</sup>

پونداون نظریه خود را بر شکل جغرافیایی دریاچه‌ها استوار می‌کند. اما این شکل (جغرافیایی) از دریاچه‌ای به دریاچه دیگر آن قدر متغیر است که نمی‌توان کلیه دریاچه‌ها را در این با آن گروه جای داد. برای مثال، واضح است که دریاچه‌های تانگانیکا و لمان می‌توانند نسبت به دولتهای ساحلی خود «دریاچه‌های مجاور» لحاظ شوند. همچنین بدیهی است که بخش شرقی دریاچه لوگانو می‌تواند در گروه «دریاچه‌های پی در پی» قرار گیرد، اما آیا این چنین وضعی، برای مثال، در مورد دریاچه‌های ویکتوریا، تی تی کاکا،

---

۱۴۹. رش. Ibid, p. 75

۱۵۰. رش. Ibid, p. 76

اسکوتاری، هورون، دبوآ و غیره هم وجود دارد؟ شکل آنها بیشتر گرد بوده و هرگونه طبقه‌بندی را بهم می‌ریزد. پونداون، در ادامه مطالب خود استدلال می‌کند که حد در «دریاچه‌های مجاور» به‌وسیله خط میانی ترسیم می‌شود در حالی‌که در «دریاچه‌های پی در پی» مرز ادامه مرز خشکی است؛ به این ترتیب که مرز (در دریاچه) خط مستقیمی است که محل تلاقی دو نقطه مرزی خشکی با سواحل دریاچه را به یکدیگر متصل می‌کند. اما، اگرچه این مطلب صحیح است که حد در دریاچه‌های به‌شکل «کشیده» اغلب خط آب است، اما همیشه به شکل خط میانی دقیق هندسی نیست. پونداون برای اثبات نظریه خود در مورد «دریاچه‌های پی در پی» مورد دریاچه ماژور را مطرح می‌کند.<sup>۱۰۱</sup> اما حد در دریاچه ماژور یک خط مستقیم ساده‌ای نیست که محل تلاقی دو نقطه مرز خشکی در سواحل دریاچه را به یکدیگر متصل می‌کند؛ برعکس، بخش مرکزی حد دریاچه ماژور یک خط میانی می‌باشد که توسط دو خط جانبی به محل تلاقی دو نقطه مرز خشکی در سواحل

---

۱۰۱. رش. Ibid. و همچنین همین مقاله.



دریاچه متصل شده است؛ این دو خط جانبی هم براساس روش منصف ترسیم نشده‌اند. به نظر ما این ملاحظات ثابت می‌کند که استفاده از حقوق رودخانه‌ای در مورد تفکیک جریانهای آبی «مجاور» و «پی در پی» و تسری آن به حقوق دریاچه‌ای تا چه حد خطرناک است. شکل جغرافیایی رودخانه‌ها از شکل دریاچه‌ها، که می‌توانند اشکال مختلفی داشته باشند، منظم‌تر و با قاعده‌تر است. ما معتقدیم که هر دریاچه ویژگی جغرافیایی یا ژئومورفولوژیکی خود را دارد، و این باعث می‌شود که پیشنهاد پونداون در مورد تقسیم‌بندی دریاچه‌ها و عمومیت دادن آن به هیچ‌وجه قابل توجیه نباشد.

#### ۴-۴- نتایج

ما معتقدیم که بتوانیم در پایان این بخش از مقاله حاضر، این چنین نتیجه‌گیری کنیم که اصل تقسیم آبها و حد آبی، و نه اصل حد ساحلی، قاعده عرفی شده است و برای دولتهای ساحلی که قصد انعقاد معاهده تحدید حدود یک دریاچه بین‌المللی را دارند لازم‌الاجرا است. این قاعده به

هیچ‌وجه ویژگی یک قاعده آمره (Jus Cogens) را ندارد، و دولتهای ذی‌نفع طبیعتاً می‌توانند آن را به‌وسیله یک قاعده قراردادی مرعی ندارند، و برای مثال، حد ساحلی را انتخاب نمایند قاعده تقسیم آبها فقط در مواردی اعتبار دارد که دولتهایی که می‌خواهند به‌وسیله قرارداد تحدید حدود کنند در مورد روش تحدید حدود توافق نداشته باشند. بدین‌ترتیب قاعده تقسیم قاعده‌ای است که به‌وسیله دادگاه بین‌المللی مسئول رسیدگی به یک اختلاف تحدید حدود دریاچه‌ای اجرا می‌شود.

به‌نظر می‌رسد حد ساحلی که برای دریاچه مالووی لحاظ شده است نوعی تخلف قراردادی از قاعده (عرفی) تقسیم آبها باشد. لذا به‌هیچ‌وجه امکان‌پذیر نیست که با استناد به قاعده (تقسیم آبها) و حتی کمتر از آن با توسل به قاعده خط میانی، بتوان از مالووی خواست که از بخشی از آبهای دریاچه به نفع تانزانیا صرف‌نظر نماید. بنابراین تحدید حدود قراردادی که توسط قدرتهای استعماری انجام شده است باید در یک چارچوب کلی‌تر که همانا «قبول» مرزهای استعماری از سوی دولتهای جدیدالاستقلال

است مورد بررسی قرار گیرد. اما، همان‌گونه که ملاحظه کردیم، دولتهای افریقایی علی‌الاصول مرزهای قدیمی استعماری را پذیرفته‌اند.<sup>۱۵۲</sup> این بدان معناست که تحدید حدود فعلی دریاچه مالای چندان منصفانه نیست و حفظ حسن همجواری و روابط دوستانه میان دو دولت ساحلی ایجاب می‌کند که با انعقاد معاهده‌ای میان مالای و تانزانیا مرز از حد ساحلی به خط تقسیم آبها تغییر نماید.

---

۱۵۲. رجوع شود به همین مقاله.

## دریاچه‌هایی که با معاهده تحدید حدود نشده‌اند

### ۱-۵- دریای خزر

دریای خزر با ۳۷۱۰۰۰ کیلومتر مربع تا به حال موضوع چندمعاهده منعقدہ فیما بین ایران و روسیه و سپس ایران و اتحاد جماهیر شوروی سابق قرار گرفته است بدون آنکه به‌طور کامل تحدید حدود شود. معاهده گلستان منعقدہ فیما بین ایران و روسیه (تزاری) در ۱۲ اکتبر ۱۸۱۳ در ماده ۵ خود اشعار می‌دارد «کشتی‌های تجاری روسی، مانند گذشته، از حق دریانوردی در کلیه آبها و سواحل دریای خزر برخوردار می‌باشند در مورد کشتی‌های جنگی، همچون قبل از جنگ، و همچنین در زمان صلح و در کلیه زمانها، فقط کشتی‌های روسی حق دریانوردی در دریای خزر را دارند و این حق انحصاری است و هیچ کشتی جنگی به استثنای کشتی‌های جنگی روسی حق دریانوردی در دریای خزر را ندارند.<sup>۱۰۳</sup>

۱۰۳. رش. G.F. de Martens, Nouveau Recueil de Traité, Vol. 4, p. 89

این مقررات در ماده ۸ معاهده صلح ترکمانچای مورخ ۲۲ فوریه ۱۸۲۸، که جانشین معاهده گلستان گردید، گنجانده شد.<sup>۱۰۴</sup>

تنها بعد از وقوع انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ است که جمهوری سوسیالیستی فدراتیو شوروی حق برابری کشتیرانی در دریای خزر را برای پارس (ایران) به رسمیت شناخت. معاهده مودت منعقد فیما بین ایران و شوروی در ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ اشعار می‌دارد: «طرفین معظمین متعهدین از حق مساوی در دریانوردی آزاد و در دریای خزر در تحت پرچم خود از تاریخ امضای معاهده حاضر به بهره‌مند می‌شوند».<sup>۱۰۵</sup>

از آنجا که معاهده ۱۹۲۱ هیچ‌گونه تفکیکی فیما بین کشتی‌های تجاری و جنگی قائل نمی‌شود پس حق آزادی کشتیرانی شامل کشتی‌های جنگی ایرن هم می‌شود.

[معاهده دیگری تحت عنوان بحریمایی و بازرگانی در ۱۹۴۰ فیما بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی منعقد شده است و طبق بند ۴ ماده ۱۲ این معاهده هر یک از

---

۱۰۴. رش. Ibid, Vol. 7, p. 564

۱۰۵. رش. Société des Nations, Recueil des Traités Vol. 9, p. 400 (article 11 du Traité)

دولتهای ساحلی دارای یک منطقه ۱۰ مایلی انحصاری ماهیگیری می‌باشند. این معاهده وضعیت بخش‌های دیگر را به‌صراحت مشخص نکرده است].\*

آنچه مسلم است اینکه تا به‌حال معاهده‌ای در جهت تقسیم دریای خزر به مناطق تحت حاکمیت دولتهای ساحلی منعقد نشده است<sup>۱۵۶</sup> و آنچه از معاهده ۱۹۲۱ (و همچنین معاهده ۱۹۴۰) برمی‌آید بهره‌برداری مشترک از این دریاچه توسط دولتهای ساحلی است.\*\*

## ۲-۵- دریاچه کنستانس<sup>۱۵۷</sup>

### ۱-۲-۵- وضعیت فعلی اختلافات دولتهای

#### ساحلی دریاچه کنستانس

دریاچه کنستانس که توسط رودخانه

---

\*. با توجه به اینکه نویسنده به معاهده ۱۹۴۰ اشاره نکرده است این قسمت توسط مترجم اضافه شده است. ۱۵۶. رش.

Ch. Rousseau, Droit International Public, 3e éd Paris, Dalloz, 1976), p. 161.

\*\* باید توجه داشت که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پیدایش دولتهای ساحلی جدید همچون آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان بحث تعیین نظام حقوقی دریای خزر به یکی از مباحث حقوقی روز تبدیل شده است.

۱۵۷. برای بررسی دقیق نظام حقوقی دریاچه کنستانس رش. Grafaschelling et Schenk Ralph Zacklin, Lucius Caffisch "Le régime Juridique des fleuves et des Lacs internationaux, Martinus, 1981, p. 97-127.

راین با سرچشمه گرفتن از کوه آلپ تغذیه می‌شود فی‌مابین اتریش، آلمان و سوییس قرار دارد. این دریاچه با ۵۳۹ کیلومتر مربع از سه بخش تشکیل شده است؛

**I.** اوبرلینزرزی (Uberlingersee): این بخش بازوی دریاچه بوده که کاملاً محاط در خاک آلمان است و به این لحاظ تحت حاکمیت این کشور می‌باشد.

**II.** دریاچه انفریور (Inférieur): این بخش از دریاچه مابین سرزمین سوئیس و آلمان قرار گرفته است و از طریق انعقاد کنوانسیون با استفاده از روش خط میانی فی‌مابین آن دو کشور تقسیم شده است. تحدید حدود این بخش به سال ۱۵۵۴ باز می‌گردد، یعنی زمانی‌که کانتونهای حاکم در سوئیس در تورگوی (Turgovie) و اوک (Eveque) کنستانس توافق کرده بودند که «قسمت چپ دریاچه انفریور از لحاظ حقوقی می‌تواند متعلق به کنفدره‌ها (Confédérés) باشد».<sup>۱۵۸</sup> این تحدید حدود در کنوانسیون منعقدہ فی‌مابین سوئیس گراند - دوشه دوبات (Grand- Duché de Bade) در ۳۱ - ۲۰ اکتبر ۱۸۵۴

۱۵۸. رش.

G. Rivo "L'exercice des droits de souveraineté sur le Lac de Constance" *Annuaire Suisse de droit international* 24 (1967): 18.

مرز در دریاچه‌های... ❖ ۱۴۷

مورد تأیید و تدقیق قرار گرفت. ۱۵۹

**III - دریاچه سوپریور:** دریاچه سوپریور بزرگترین بخش دریاچه است که فیما بین سوئیس آلمان و اتریش قرار داد. در این بخش به جز قسمت قیفی شکل کنستانس که مقابل شهر کنستانس قرار دارد، هیچ‌گونه تحدید حدود قراردادی وجود ندارد. با کنوانسیون منعقدہ فیما بین سوئیس و گراند - دوشه دو باد در ۲۸ آوریل ۱۸۲۸ در مورد تنظیم مرز در نزدیکی کنستانس، دو دولت در واقع توافق کردند که قسمت قیفی شکل کنستانس را با استفاده از روش خط میانی تقسیم کنند. ۱۶۰ این تحدید حدود در کنوانسیون منعقدہ فیما بین سوئیس و رایش آلمان در ۲۱ سپتامبر ۱۹۳۸ در خصوص جابه‌جایی مرز میان کانتون تورگوي و منطقه شهر کنستانس مورد تأیید و تدقیق قرار گرفت. ۱۶۱

**۲-۲-۵- موضع دولتهای ساحلی در مورد**

**مسئله حاکمیت سرزمینی بر دریاچه**

**سوپریور:**

۱۵۹ . رش . R.S. Vol. 11, p. 44

۱۶۰ . رش . Ibid, p. 47

۱۶۱ . رش . Ibid, p. 53

❖ ۱۴۸ مجله حقوقی / شماره بیست و دوم



سوئیس در این مورد از دیرباز و به‌طور دائم اعلام کرده است که حاکمیت سرزمینی آن کشور تا وسط دریاچه سوپریور ادامه دارد.<sup>۱۶۲</sup> سوئیس امیدوار است که این بخش از دریاچه کنستانس به‌طور قراردادی یا براساس روش به‌کار رفته در دریاچه انفریور و قسمت قیفی شکل کنستانس یا طبق روش خط میانی تحدید حدود شود.<sup>۱۶۳</sup>

آلمان، با اتخاذ موضعی نرم‌تر نسبت به سوئیس، متمایل به استفاده از همین روش است.<sup>۱۶۴</sup> چون‌که آلمان، بعد از سوئیس، بیشترین بخش سواحل دریاچه را در اختیار دارد و لذا تحدید حدود براساس روش خط میانی به نفعش می‌باشد.

در عوض، بخشی از ساحل دریاچه که به اتریش تعلق دارد، بسیار محدود و به‌علاوه مقعر می‌باشد. شکل ساحل اتریش در این دریاچه یادآور شکل ساحل آلمان در مقابل سواحل دانمارک و هلند در قضیه تحدید حدود فلات قاره دریای شمال می‌باشد. به

---

۱۶۲. این موضوع به‌وسیله Riva به‌طور دقیق تشریح شده

است. رش. G. Riva op.cit., pp. 43-46

۱۶۳. رش. همین مقاله.

۱۶۴. رش. Riva, op.cit., pp. 297-298

یاد می‌آوریم که این قضیه مربوط به مسئله  
تحدید حدود فلات قاره میان سه دولت طرف  
اختلاف بود. نتیجه‌ای که از اعمال روش خط  
منصف در این قضیه به دست آمد توسط دیوان  
بین‌المللی دادگستری بدین شکل توضیح  
داده شده است.

«زمانی که دو خط منصف از یک ساحل  
بسیار مقعر ترسیم شوند، الزاماً یکدیگر  
را در فاصله کمی از ساحل قطع می‌کنند؛  
بنابراین منطقه فلات قاره‌های که  
بدین ترتیب به دست می‌آید به شکل مثلثی است  
که رأس آن به سوی پهنه دریا قرار دارد،  
این حالت، همان‌گونه که آلمان مدعی است،  
دولت ساحلی (آلمان) را از داشتن مناطق  
فلات قاره واقع در خارج از این مثلث  
محروم می‌کند.<sup>۱۶۰</sup>

اگر ما (در عبارت فوق) به جای اصلاح  
«فلات قاره» اصطلاح «آبهای دریاچه‌ای» و

---

۱۶۰. رش.

Affaire du plateau continental de la mer du Nord, op.cit., par 8, p. 18.

این نقل قول برای این آورده است که وضعیت جغرافیایی  
خاصی را تشریح کند و نتایج ناشی از کاربرد خط منصف در  
چنین وضعیت را که گاهی اوقات آمیز هم هستند نشان دهد.  
بنابراین ما به هیچ وجه در پی این نیستیم که قیاس با  
تشابهی را میان قواعد مربوط به فلات قاره و اصول حاکم  
بر تحدید دریاچه‌ها برقرار نماییم.

❖ ۱۵۰ / مجله حقوقی / شماره بیست و دوم

به جای کلمه «پهنه دریا» کلمه «مرکز دریاچه» را قرار دهیم خواهیم فهمید که چرا اتریش همیشه از پذیرش تحدید حدود براساس روش خط میانی سرباز می‌زند.<sup>۱۶۶</sup> و معتقد است که آب دریاچه سوپریور یک کندومینوم (Condominium) را تشکیل می‌دهد که هر دولت ساحلی حاکمیت خود را در تمام گستره آنها اعمال می‌کند. برداشت جدیدی از این نظریه این است که:

کشورهای ساحلی تا منطقه‌ای از دریاچه، که از سواحل شروع و تا عمق ۲۵ متری ادامه دارد حاکمیت انحصاری دارند، و بقیه دریاچه سوپریور تحت حاکمیت مشترک می‌باشد.<sup>۱۶۷</sup>

این نظریه، که الهام گرفته از حقوق دریا و به‌ویژه معیار عمق ۲۰۰ متر برای تعیین حد خارجی فلات قاره است به‌شدت از سوی سوئیس رد می‌شود.<sup>۱۶۸\*</sup>

مواضع متضادی که تشریح شد به ما اجازه بیان این مطلب را می‌دهند که در هر

---

۱۶۶. رش. Riva, op.cit., p. 43

۱۶۷. رش. Ibid, p. 64

\* لازم به تذکر است که نویسنده معیار مندرج در کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو در مورد فلات قاره را مدنظر داشته و توجهی به کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا ندارد.

۱۶۸. رش. Loc cit

صورت هیچ «عرف محلي» وجود ندارد که دولتهای ساحلي را مکلف کند که حاکمیت خود را در ورای خط میانی دریاچه گسترش ندهند.

اتریش، در واقع، هرگز وجود چنین عرفی را نپذیرفته است؛ در طول این مقاله توانستیم این مسئله را احراز کنیم که نمی‌توان وجود یک عرف عام را، که طبق آن در صورت عدم وجود مرز قراردادی خط میانی مرز خواهد بود، اثبات کرد. به‌علاوه آقای جی - ریوا (G. Riva)، در مقاله خود در مورد دریاچه کنستانس، که کم و بیش موضع رسمی دولت سوئیس را بیان می‌کند، از صحبت در مورد وجود یک قاعده عرفی لازم‌الاجرا برای اتریش اجتناب می‌کند.<sup>۱۶۹</sup> او به انتقاد از نظریه کندومینیوم بسنده می‌کند، و سپس با محدود کردن خود به تاریخ دریاچه کنستانس و رویه قضایی داخلی، مواضع سوئیس و آلمان را بیان می‌کند. او در این مورد به این نتیجه می‌رسد که تقسیم آنها براساس روش خط میانی ممکن است

---

۱۶۹. رش. Riva, op.cit.

بهترین راه حل باشد.<sup>۱۷۰</sup> و اعلام می‌کند که وضعیت فعلی دریاچه سوپریور یک وضعیت متروکی شده است چون که دولتها متمایل به تعریف دقیق مرزهای خود می‌باشند برای اینکه به طور مشخص حدود حاکمیت ملی خود را برای بهره‌برداری بهتر از منابع طبیعی تعیین نمایند.<sup>۱۷۱</sup> آقای ریوا، سرانجام پیشنهاد می‌کند که مذاکرات برای دستیابی به یک تحدید حدود قراردادی آغاز شود.<sup>۱۷۲</sup>

نتیجه کندومینیوم از سوی دکترین و رویه قضایی داخلی دولتهای ساحلی نیز رد شده است.<sup>۱۷۳</sup> این نظریه توسط سوئیس و کمی ضعیفتر از طرف آلمان مردود اعلام شده است. بنابراین امتیازی برای وجود «عرف محلی» دائر بر شناخت یک حاکمیت مشترک برای دولتهای ساحلی بر آبهای دریاچه متصور نیست.

این وضعیت سبب طرح این سؤال برای ما می‌شود که، با توجه به عدم وجود راه حل

---

۱۷۰. رش. Ibid, p. 61

۱۷۱. رش. Ibid, p. 58

۱۷۲. رش. Ibid, pp. 64-65

۱۷۳. رش.

A. Coret, "Le condominium" (Paris Librairie générale de droit et de Jurisprudence, 1960), pp. 145-147.

قراردادی، دریاچه کنستانس چه وضعیت حقوقی دارد؟ اگر روش خط میانی به علت مخالفت اتریش برای آن کشور لازم الاجرا نیست، پس قاعده کندومینیوم پیشنهادی اتریش نیز، به همان دلیل، برای سوئیس لازم الاجرا نیست چونکه آن کشور به طور دائم با چنین قاعده ای مخالفت کرده است. ما به سهم خود، معتقدیم که راه حل مشکل بای در اصل «کارآیی»<sup>\*</sup> در حقوق بین الملل عمومی و به طور خاص در اصل کارایی سرزمینی نظم حقوقی دولتی جستجو شود. این کارآیی زمانی وجود دارد که یک دولت، روس سرزمینی که ادعای داشتن حاکمیت می کند، فعالیت هایی بکند که فقط حاکم سرزمینی می تواند انجام دهد، به شرط آنکه انجام این فعالیتها مستمر و مسالمت آمیز باشد، به گونه ای که ماکس هوبر در قضیه جزیره پالماس به آن اشاره می کند.<sup>۱۷۴</sup> در یک چنین فضایی است که دیوان دائمی دادگستری بین المللی در رأی

\*. Effectivité.

۱۷۴. ر.ش.

Max Huber, arbitre unique, sentence arbitrale d'avril 1925 en affaire de l'île de Palmas, Nations unies, Rcuil des sentences arbitrales, Vol. II, p. 840, parle du "principe that continuous and Peaceful display of the function of State within a given region is a constituent element of territorial sovereignty..."

مورخ ۵ آوریل ۱۹۳۳ خود در قضیه «وضعیت حقوقی گروئنلند شرقی» می‌گوید که: «فرصت مناسبی است که به این نکته اشاره شود که ادعای حاکمیت مبتنی بر اجرای مستمر قدرت و نه مبتنی بر برخی از اسناد یا عناوین، همچون یک معاهده انتقال، زمانی قابل قبول است که وجود دو عنصر ثابت شود: که یکی میل و اراده به عمل کردن به‌عنوان (قدرت) حاکم و دیگری تجلی یا اجرای مؤثر این قدرت می‌باشد».<sup>۱۷۰</sup>

اگر ما این نظر کلی را در مورد مشکل خاص خود (دریاچه کنستانس) اعمال کنیم به این نتیجه می‌رسیم که اگر دولتی ساحلی مدعی اعمال حاکمیت بر بخشی از دریاچه کنستانس باشد، باید ثابت کند که صلاحیتهای دولتی سرزمینی خود را به‌طور مؤثر بر آن بخش مورد ادعا اعمال می‌کند. بنابراین ما معتقدیم که حاکمیت هر یک از دولتهای ساحلی تا آن خط فرضی پیش می‌رود که در ورای آن خط آن دولت اجرای مؤثر اختیارات خود را متوقف می‌کند. این خط

۱۷۰. رش.

Affaire de statut Juridique de Groenland oriental (Norège C/Denmark), CPIJ, Série A/B no 53, pp. 45-46.

مرز در دریاچه‌های... ❖ ۱۰۵

فرضي مي‌تواند با خط مياني درياچه يكي  
شده يا نشود.



## نتیجه‌گیری

نتایج این مقاله می‌تواند در سه نکته خلاصه شوند:

۱- دولتهای ساحلی دریاچه‌های بین‌المللی، که تا به حال مبادرت به تحدید حدود آنها نموده‌اند، این کار را از طریق انعقاد و موافقتنامه انجام داده‌اند. این موافقتنامه‌های تحدید حدود، به استثنای يك مورد، حد آبی (مرز در آب) را پذیرفته‌اند.<sup>۱۷۶</sup> این هماهنگی اسناد قراردادی ما را به این نتیجه می‌رساند که يك قاعده عرفی در این راستا شکل گرفته است. طبق این قاعده، خط تقسیم باید يك حد آبی باشد، مع ذلك این قاعده، بدون اینکه يك قاعده آمره باشد، می‌تواند از طریق انعقاد يك کنوانسیون، که حد ساحلی را می‌پذیرد، کنار گذاشته شود. در این حالت راه‌حل انتخابی فقط به نفع یکی از دولتهای ساحلی خواهد بود.

۲- در عوض، روش تقسیم خود به هیچ‌وجه

---

<sup>۱۷۶</sup>. منظور دریاچه مالای است، دریاچه تی بارد در واقع موضوع يك معاهده تحدید حدود به معنای خاص نشده است.

موضوع يك قاعده عرفي نيست و به انتخاب دولتها گذاشته شده است. روش تقسيم در اختيار دولتهاست كه، پس از مذاكرات، در مورد يك خط تقسيم توافق مي‌كنند. خط مياني، كه امتيازاتي هم دارد، اعتبار عرفي نداشته و اغلب کنار گذاشته شده است.

۳- در صورت عدم موافقتنامه خاص، حاكميت هر دولت ساحلي تا نقطه‌اي ادامه دارد كه در وراي آن اين دولت اجراي مؤثر اختيارات عمومي خود را متوقف مي‌كند.









مرز در دریاچه‌های... ❖ ۱۶۳





مرز در دریاچه‌های... ❖ ۱۶۵



مرز در دریاچه‌های... ❖ ۱۶۷







مرز در دریاچه‌های... ❖ ۱۷۱





مرز در دریاچه‌های... ❖ ۱۷۳





















مرز در دریاچه‌های... ❖ ۱۸۳